

واگذاری ۵۲ هزار کارت خرید اعتباری

کارگران در ۹ استان

* مدیر عامل صندوق مهر امام رضا(ع): توزیع کارت‌های خرید اعتباری

در استان‌های هرمزگان، بوشهر، گیلان، کرمانشاه، خراسان رضوی، تهران و کرمان

از اواسط تیر آغاز شده است

صفحه ۴

سه شنبه یکم مرداد ۱۳۹۲ - ۱۴ رمضان ۱۴۳۴ - ۲۳ جولای ۲۰۱۳ - شماره ۱۶ - صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

نقشه راه اخوان المسلمین برای خروج مصر از بحران

* براساس طرح اخوان‌ها، مرسی باید به قدرت بازگردد
قانون اساسی مجدداً معتبر شناخته شود و مجلس شورا

فعالیت خود را از سر گیرد

* جبهه نجات ملی با نقشه راه اخوان المسلمین مخالفت کرد

* حامیان مرسی با برپایی تظاهراتی، موضع واشنگتن

در حمایت از کودتای نظامی را محکوم و از موضع اردوغان

قدردانی کردند

* طرح انفجار چندین سفارتخانه خارجی در پایتخت مصر

خنثی شد

* نتانیاو: سقوط مرسی، ضعف جنبش‌های سیاسی

اسلامی را در اداره مصر نشان می‌دهد

* خشونت‌های تازه در منطقه سینا ۴ کشته و ۸ زخمی

برجا گذاشت

* رئیس دفتر حافظ منافع مصر در ایران: تحولات مصر

به مثابه زلزل‌های بود که قطعاً پس لرزه‌های آن

به کشورهای منطقه خواهد رسید

* رئیس دفتر حافظ منافع مصر در ایران: به دنبال روابط

مستحکم و قوی با تهران هستیم

سرویس خارجی: گروه کشور را اعلام کرد که یکی از پندهای

اخوان المسلمین مصر در بیانیه‌ای آن بازگشت مرسی به قدرت است.

تحت عنوان خروج از بحران بر اساس این طرح محمد مرسی

راه‌کارهای خود برای پایان تنش در بقیه در صفحه ۱۶

بیش از ۴ میلیون هکتار از اراضی آلوده به مین

پاکسازی شد

* رئیس مرکز مین‌زدایی: این میزان پاکسازی مربوط به استان‌های خوزستان، ایلام

کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی است

* ۴۰ هزار هکتار از اراضی آلوده، باقی مانده که عمدتاً مربوط به استان خوزستان است

صفحه ۲

رسانه‌های خارجی: رهبر ایران مذاکره را ممنوع نکرده اما به آمریکا اعتماد ندارد

* الجزیره: رهبر ایران مذاکرات با آمریکا درباره برخی مسائل خاص مانند عراق را ممنوع نکرده است

* آسوشیتدپرس: آیت‌الله خامنه‌ای مذاکرات با آمریکا را ممنوع نکرده، ولی دولت آمریکا

را غیر قابل اعتماد خواند و خواستار احتیاط در زمینه هرگونه مذاکرات احتمالی شد

* انتخاب حسن روحانی امیدها برای رفع تنش‌ها با غرب و مذاکرات مستقیم احتمالی

با آمریکا را احیا کرده است

* سایت لیبانون فایزن: آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای گفت که ما به تعامل با جهان

اعتقاد داریم اما باید طرف مقابل را درک کنیم

* خبرگزاری فرانسه: رهبر ایران می‌گوید نمی‌توان به آمریکا اعتماد کرد

* روزنامه استار تریبون:

رهبر ایران مذاکرات با

آمریکا را منتفی نمی‌داند

ولی خواستار احتیاط

در این زمینه شد

رسانه‌های خارجی به انعکاس

اظهارات حضرت آیت‌الله العظمی

خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب که روز

پنجشنبه دیدار مسئولان و کارگزاران

نظام مطرح کردند، پرداختند.

بقیه در صفحه ۲

آغاز به کار

۴ دانشگاه

ویژه دختران

از مهر امسال

* این دانشگاه‌ها در

شهرهای میناب، سبزوار

شاهروند و سمنان

تاسیس شده‌اند

صفحه ۳

روابط بین الملل

شیخ «تمیم»

و رویکردهای آینده

صفحه ۱۲

روزنامه‌های خبریه ضمیمه اطلاعات امروز

اقتصادی

واکاوی علل شکست

سیستم‌های اطلاعات

مدیریت

صفحه ۷

نظری‌های اقتصادی

زندگی و عشق

گفتگو با دکتر شیرین بیانی (اسلامی نودشن)

کریم فیضی

صفحه ۶

گزارش

غبار عراقی

چگونه به فضای ایران

نفوذ می‌کند؟

صفحه ۵

پایان دادگاه

غفلت از فرجام

خویشتن

دکتر غلامعلی ربایی

صفحه ۲

محک

تقابل دو جریان

در مصر

صفحه ۲

السلام علیک یا حسن بن علی:

یکسال در فقدان عالم و خطیب
منبر حسینی

حجة الاسلام والمسلمین
آقای حاج سید
جمال‌الدین مرتضوی طاب‌نراه

گذشت، بدین مناسبت مراسم
یادبودی برگزار می‌گردد، شرکت
علمای اعلام، حجج اسلام،
هیئات مذهبی، بازرگانان، اصناف و سایر برادران و خواهران
موجب تجلیل از مقام شامخ روحانیت راستین و امتنان
بازماندگان خواهد بود.

بیت مرتضوی حجة الاسلام والمسلمین مرتضوی

زمان: چهارشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۲ مطابق با
۱۵ رمضان از ساعت ۱۹ الی ۲۰:۳۰

مکان: جاده قدیم شمیران - بالاتر از پل رومی
ایستگاه رضایی - کوچه نبوی - قائمیه تهران

قابل توجه فرهنگدوستان

از سایت فروشگاه اینترنتی انتشارات اطلاعات بازدید کنید.

بایوستن به سایت فروشگاه اینترنتی انتشارات اطلاعات
در مورد علاقه خود تهیه نمایید.

www.ketabtelataat.com

واحد اطلاع رسانی انتشارات اطلاعات

روزنامه اطلاعات سال ۱۳۰۶ - ۱۳۰۵

در یک DVD

به قیمت ۵۰۰۰ تومان

منتشر شد

اوج پرواز

سروده مشفق کاشانی

قطع رقی، ۷۰ صفحه، چاپ اول: ۶۰۰ تومان

این مجموعه، در واقع ساقی نامه مشفق کاشانی است. او در سروده‌های خود به بیان مفاهیم و معانی خاص عرفانی و مضامینی در یاد مرگ و بیان بی‌ثباتی حیات دنیوی و پند و اندرز و حکمت و غیره می‌پردازد. در این ساقی نامه از پیامبر اسلام (ص)، حضرت علی (ع)، اویس قرنی، بایزید بسطامی، جنید بغدادی، حسین بن منصور، فردوسی، ابوسعید ابوالخیر، ابن سینا، سنایی، عین القضات، مولوی، سهروردی، شیخ اکبر محیی‌الدین، سعدی، حافظ، شبستری، ملاصدرا و... یاد می‌کند و در پایان هر شعر، فردی را که درباره اش شعر سروده، معرفی می‌نماید.

* فروشگاه مرکزی: تهران بزرگراه حقانی، روبروی ایستگاه مترو، ساختمان روزنامه اطلاعات، تلفن: ۲۹۹۹۳۶۸۶
* فروشگاه شماره ۱: تهران خیابان انقلاب اسلامی، روبروی دانشگاه تهران، تلفن: ۶۶۴۶۰۷۳۴
* نمایندگی‌های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور، تلفن توزیع و فروش: ۲۹۹۹۳۲۴۴، ۲۹۹۹۳۳۰۶
* برای خرید پستی در سراسر کشور با تلفن ۲۹۹۹۳۲۶۵ تماس حاصل فرمایید.
* آدرس سایت فروشگاه اینترنتی: www.ketabtelataat.com

آگهی مناقصه عام یک مرحله ای

شماره ۹۲/۶ س

شرح در صفحه ۷

آگهی مزایده عمومی

شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران

شرکت سنگ آهن مرکزی ایران در نظر دارد نسبت به فروش ۷۵۰۰۰ متریک تن سنگ آهن درشت دانه کوره بلند با عیار ۵۴/۵۰ درصد و فسفر ۰/۳۰۰± درصد به صورت EX-WORK (تحويل در معدن) از طریق مزایده عمومی با شرایط ذیل اقدام نماید:
۱- اسناد مزایده صرفاً با ارائه کارت شناسایی معتبر فروخته خواهد شد.
۲- قیمت اوراق مزایده ۴۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. که این مبلغ می‌بایستی به حساب سبیا شماره ۰۹۵۸۱۷۶۶۰۰ نزد بانک ملی شعبه آه‌شهر باقی به نام شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران واریز گردد.
۳- اوراق از تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ لغایت ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ فروخته خواهد شد.
۴- پیشنهادها می‌بایستی حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ به دبیرخانه این شرکت واقع در یزد میدان امام حسین (ع) بلوار شهید بهشتی جنب اداره گاز تحويل گردد.
۵- پاکت‌های پیشنهادها رأس ساعت ۱۰:۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ با حضور اعضای کمیسیون معاملات در دفتر کمیسیون معاملات شرکت سنگ آهن مرکزی ایران به آدرس یزد میدان امام حسین (ع) بلوار شهید بهشتی گشایش می‌گردد.
۶- حضور شرکت‌کنندگان در زمان بازگشایی پاکت‌ها بلامانع است.
۷- شرکت‌کنندگان می‌بایستی سابقه و تجربه کافی در زمینه مورد نظر داشته باشند.
۸- فروش اوراق مزایده به آدرس زیر قابل تحويل خواهد بود:
استان یزد- شهرستان بافق- شرکت سنگ آهن مرکزی ایران طبقه دوم بخش سفارشات خارجی
تلفن: ۰۳۵۲-۴۲۵۴۴۲۸۳ فکس: ۰۳۵۲-۴۲۵۴۴۲۸۲
پست الکترونیکی: COMMERCIAL@ICIOC.COM
ضمناً آگهی فوق‌الذکر در سایت WWW.ICIOC.COM قابل رؤیت می‌باشد.

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای

شماره مناقصه ۴-۴-۹۲

سازمان غذا و دارو

رجوع به صفحه ۱۶

آگهی مزایده عمومی

شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران

شرکت سنگ آهن مرکزی ایران در نظر دارد نسبت به فروش ۷۵۰۰۰ متریک تن سنگ آهن درشت دانه کوره بلند با عیار ۵۴/۵۰ درصد و فسفر ۰/۳۰۰± درصد به صورت EX-WORK (تحويل در معدن) از طریق مزایده عمومی با شرایط ذیل اقدام نماید:
۱- اسناد مزایده صرفاً با ارائه کارت شناسایی معتبر فروخته خواهد شد.
۲- قیمت اوراق مزایده ۴۰۰/۰۰۰ ریال می‌باشد. که این مبلغ می‌بایستی به حساب جاری سبیا شماره ۰۹۵۸۱۷۶۶۰۰ نزد بانک ملی شعبه آه‌شهر باقی به نام شرکت سهامی خاص سنگ آهن مرکزی ایران واریز گردد.
۳- اوراق از تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ لغایت ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ فروخته خواهد شد.
۴- پیشنهادها می‌بایستی حداکثر تا ساعت ۱۰ صبح مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ به دبیرخانه این شرکت واقع در یزد میدان امام حسین (ع) بلوار شهید بهشتی جنب اداره گاز تحويل گردد.
۵- پاکت‌های پیشنهادها رأس ساعت ۱۰:۳۰ مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۱۵ با حضور اعضای کمیسیون معاملات در دفتر کمیسیون معاملات شرکت سنگ آهن مرکزی ایران به آدرس یزد میدان امام حسین (ع) بلوار شهید بهشتی گشایش می‌گردد.
۶- حضور شرکت‌کنندگان در زمان بازگشایی پاکت‌ها بلامانع است.
۷- شرکت‌کنندگان می‌بایستی سابقه و تجربه کافی در زمینه مورد نظر داشته باشند.
۸- فروش اوراق مزایده به آدرس زیر قابل تحويل خواهد بود:
استان یزد- شهرستان بافق- شرکت سنگ آهن مرکزی ایران طبقه دوم بخش سفارشات خارجی
تلفن: ۰۳۵۲-۴۲۵۴۴۲۸۳ فکس: ۰۳۵۲-۴۲۵۴۴۲۸۲
پست الکترونیکی: COMMERCIAL@ICIOC.COM
ضمناً آگهی فوق‌الذکر در سایت WWW.ICIOC.COM قابل رؤیت می‌باشد.

اطلاعیه

مرکز بهداشت شهرستان بندرعباس در نظر دارد جهت تکمیل کادر پزشکان خانواده در مراکز روستایی شمیل - حسن لنگی - پافلاتان - خورگو - قطب‌آباد - ایسین - تازبان و تخت، اقدام به جذب پزشک نماید.

بدینوسیله از پزشکان محترم تقاضای می‌گردد جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره تلفن ۳۳۳۹۰۹۱ واحد ستاد گسترش مرکز بهداشت شهرستان بندرعباس تماس حاصل نمایند.

روابط عمومی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی هرمزگان

۱۳۹۹م الف

بمناسبت تولد اولین نورچشمی خاندان بزرگ رسالت

حضرت امام حسن مجتبی (ع)

ترجمه مجلدات یک تاده ترجمه تفسیر المیزان

تألیف: بزرگ عالم دنیای اسلام حضرت علامه بزرگوار: حاج سید محمد حسین طباطبائی (ره)

ترجمه: حاج سید محمد باقر موسوی همدانی با تصحیح کامل و حروفچینی کامپیوتری چاپ و منتشر گردید.

مرکز انتشار: تهران: کانون انتشارات محمدی تلفن ۱۸۶۳۵۳۱۳۱ قلم: انتشارات دارالفکر تلفن ۳۷۷۲۲۶۵۳

آگهی مناقصه عمومی (شماره ۹۲/۲۰) نوبت اول

۱- نام مناقصه‌گزار: شرکت مدیریت تولید برق شهید رجایی (نیروگاه شهید رجایی)
۲- موضوع مناقصه: تعویض سبیل استریپ توربین LP و HPIP و بالاس روزنه‌های واحد (۳) بخار نیروگاه شهید رجایی
۳- نوع مناقصه: عمومی - دو مرحله‌ای
۴- محل دریافت اسناد مناقصه: کیلومتر ۲۵ اتوبان قزوین - کرج، اداره قراردادها - همیزان سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ۱۹۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز به حساب عام ۸۱۰۴۴۶۶۰۸۱ بانک ملت شعبه اسدآبادی قزوین (پاچه نیروگاه با کد شعبه ۲۱۰۹/۷ به نام مناقصه‌گزار).
۵- تاریخ تحویل اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۲ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۴
۶- مبلغ فروش اسناد مناقصه: مبلغ ۱۵۹/۰۰۰ ریال با احتساب ۶٪ ارزش افزوده (پاچه نیروگاه با کد شعبه ۲۱۰۹/۷ به نام مناقصه‌گزار).
۷- زمان و محل قرائت پیشنهادها: زمان بازگشایی پاکت‌ها روز شنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۶ رأس ساعت ۱۱ صبح در محل مناقصه‌گزار انجام خواهد شد. بدیهی است مناقصه‌گزار اسناد و مدارک واصله را در چارچوب ضوابط و مقررات بررسی و از برنده مناقصه که باید دارای صلاحیت حرفه‌ای و تأییدیه و مجوز دفتر پشتیبانی تولید شرکت تأمین باشد جهت عقد قرارداد دعوت به عمل خواهد آورد. تلفن‌های ۲۵۳۲۳۱۱ - ۲۸۱ - ۲۱ و ۸۸۷۶۶۸۱ - ۲۱ و داخلی ۶۰۷۳ اداره قراردادها در صورت نیاز پاسخگوی اطلاعات تخصصی مورد نیاز خواهد بود. این آگهی را می‌توانید در سایت اینترنتی ذیل مشاهده کنید.
سایت ملی اطلاع‌رسانی: http://iets.mporg.ir
سایت معاملات توانیر: http://tender.tavanir.org.ir
سایت نیروگاه شهید رجایی: http://www.rajaeepowerplant.ir

۸- زمان ارسال پیشنهادها: روز سه‌شنبه، مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۲ می‌باشد.
۹- زمان گشایش پیشنهادها: روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۳ می‌باشد.
۱۰- شرایط مناقضی:
✓ داشتن شخصیت حقوقی.
✓ داشتن امکانات، ماشین‌آلات و نیروی متخصص.
✓ داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه.
✓ داشتن رتبه ۵ تأسیسات و تجهیزات یافت و گاز از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
✓ داشتن توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در مناقصه و حسن انجام تعهدات طبق ضوابط کارفرما.
✓ داشتن کد اقتصادی از وزارت اقتصاد و دارای.
✓ ثبت‌نام و اخذ کد اطلاع‌رسانی مناقصات از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند ۱۰ فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند، می‌توانند در مهلت تعیین شده فوق‌الذکر، نسبت به ارائه تقاضای کتبی خود و دریافت فرم مشخصات پیمانکاران و ارائه فرم‌های تکمیل شده مذکور به صورت الکترونیکی از سایت شرکت گاز استان تهران www.nigc-tpgc.ir به آدرس تهران، خیابان ایران‌شهر شمالی، نبش خیابان آراک، ساختمان شماره ۱۶، طبقه چهارم، بلوک ۱، امور قراردادها مراجعه نمایند.
روابط عمومی شرکت گاز استان تهران
۱۷۷۸م الف

آگهی مناقصه عمومی (شماره ۹۲/۱۹) نوبت اول

۱- نام مناقصه‌گزار: شرکت مدیریت تولید برق شهید رجایی (نیروگاه شهید رجایی)
۲- موضوع مناقصه: تست‌های غیرمخرب (NDT) در روی تجهیزات واحد (۳) بخار نیروگاه شهید رجایی
۳- نوع مناقصه: عمومی - دو مرحله‌ای
۴- محل دریافت اسناد مناقصه: کیلومتر ۲۵ اتوبان قزوین - کرج، اداره قراردادها - همیزان سپرده شرکت در مناقصه: مبلغ ۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا واریز به حساب عام ۸۱۰۴۴۶۶۰۸۱ بانک ملت شعبه اسدآبادی قزوین (پاچه نیروگاه با کد شعبه ۲۱۰۹/۷ به نام مناقصه‌گزار).
۵- تاریخ تحویل اسناد مناقصه: تا ساعت ۱۲ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۴
۶- مبلغ فروش اسناد مناقصه: مبلغ ۱۵۹/۰۰۰ ریال با احتساب ۶٪ ارزش افزوده (پاچه نیروگاه با کد شعبه ۲۱۰۹/۷ به نام مناقصه‌گزار).
۷- زمان و محل قرائت پیشنهادها: زمان بازگشایی پاکت‌ها روز شنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۶ رأس ساعت ۱۱ صبح در محل مناقصه‌گزار انجام خواهد شد. بدیهی است مناقصه‌گزار اسناد و مدارک واصله را در چارچوب ضوابط و مقررات بررسی و از برنده مناقصه که باید دارای صلاحیت حرفه‌ای باشد جهت عقد قرارداد دعوت به عمل خواهد آمد و تلفن ۲۵۳۲۳۱۱ - ۲۸۱ - ۲۱ و ۸۸۷۶۶۸۱ - ۲۱ و داخلی ۶۰۷۳ اداره قراردادها در صورت نیاز پاسخگوی اطلاعات تخصصی مورد نیاز خواهد بود و این آگهی را می‌توانید در سایت اینترنتی ذیل مشاهده کنید.
سایت ملی اطلاع‌رسانی: http://iets.mporg.ir
سایت معاملات توانیر: http://tender.tavanir.org.ir
سایت نیروگاه شهید رجایی: http://www.rajaeepowerplant.ir

روابط عمومی شرکت مدیریت تولید برق شهید رجایی

۸- زمان ارسال پیشنهادها: روز سه‌شنبه، مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۲ می‌باشد.
۹- زمان گشایش پیشنهادها: روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۳ می‌باشد.
۱۰- شرایط مناقضی:
✓ داشتن شخصیت حقوقی.
✓ داشتن امکانات، ماشین‌آلات و نیروی متخصص.
✓ داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه.
✓ داشتن رتبه ۵ تأسیسات و تجهیزات یافت و گاز از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
✓ داشتن توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در مناقصه و حسن انجام تعهدات طبق ضوابط کارفرما.
✓ داشتن کد اقتصادی از وزارت اقتصاد و دارای.
✓ ثبت‌نام و اخذ کد اطلاع‌رسانی مناقصات از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند ۱۰ فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند، می‌توانند در مهلت تعیین شده فوق‌الذکر، نسبت به ارائه تقاضای کتبی خود و دریافت فرم مشخصات پیمانکاران و ارائه فرم‌های تکمیل شده مذکور به صورت الکترونیکی از سایت شرکت گاز استان تهران www.nigc-tpgc.ir به آدرس تهران، خیابان ایران‌شهر شمالی، نبش خیابان آراک، ساختمان شماره ۱۶، طبقه چهارم، بلوک ۱، امور قراردادها مراجعه نمایند.
روابط عمومی شرکت گاز استان تهران
۱۷۷۸م الف

۸- زمان ارسال پیشنهادها: روز سه‌شنبه، مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۲ می‌باشد.
۹- زمان گشایش پیشنهادها: روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۶/۱۳ می‌باشد.
۱۰- شرایط مناقضی:
✓ داشتن شخصیت حقوقی.
✓ داشتن امکانات، ماشین‌آلات و نیروی متخصص.
✓ داشتن تجربه کافی و مرتبط با موضوع مناقصه.
✓ داشتن رتبه ۵ تأسیسات و تجهیزات یافت و گاز از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
✓ داشتن توانایی ارائه ضمانت‌نامه بانکی شرکت در مناقصه و حسن انجام تعهدات طبق ضوابط کارفرما.
✓ داشتن کد اقتصادی از وزارت اقتصاد و دارای.
✓ ثبت‌نام و اخذ کد اطلاع‌رسانی مناقصات از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری.
متقاضیانی که دارای شرایط مذکور در بند ۱۰ فوق بوده و آمادگی اجرای پروژه را دارند، می‌توانند در مهلت تعیین شده فوق‌الذکر، نسبت به ارائه تقاضای کتبی خود و دریافت فرم مشخصات پیمانکاران و ارائه فرم‌های تکمیل شده مذکور به صورت الکترونیکی از سایت شرکت گاز استان تهران www.nigc-tpgc.ir به آدرس تهران، خیابان ایران‌شهر شمالی، نبش خیابان آراک، ساختمان شماره ۱۶، طبقه چهارم، بلوک ۱، امور قراردادها مراجعه نمایند.
روابط عمومی شرکت گاز استان تهران
۱۷۷۸م الف

پاسخ به سوالات شرعی بر اساس فتاوی امام خمینی (ره)

محمد ساعدی
۹)
آیا مردم حق تصرف در اموال زنش را بدون رضایت او دارد؟
آیا زن بدون اجازه شوهر و علیرغم مخالفت او می تواند در داریی اش هر نوع دخل و تصرف مانند کمک به والدین و صدقه و ... را انجام دهد؟

توضیح:

مالکیت انسان بر اموال و داریایی‌های خویش حق مشروع و غیر قابل انکار اوست؛ و در بهر همدنی از آن فرقی بین زن و مرد نیست. زنان نیز در استفاده از حق مالکیت خود و دخل و تصرف ناشی از آن همانند هر عاقل و بالغ دیگر؛ و در حدود موازین شرعی و اغراض عقلایی نیاز به اجازه و تصویب دیگری ندارند.
زنان حتی حق دارند که اطلاعات مربوط به اموال، حساب بانکی و گردش مالی خود را از دسترس دیگران حتی شوهر، پدر، مادر، فرزند و برادر دور داشته و محفوظ صلاح می دانند کمک نمایند.

در کتاب استفتائات امام خمینی: ج ۳، ص: ۵۵۳ در این خصوص چنین آمده است:

س ۱۹- این جانب دارای مقادیر زیادی سگّه و زینت آلات طلا می‌باشم (مقداری از آنها - از جمله تعدادی از سگه‌های طلا و چند زنجیر و مدالهای کوچک را - خانوادّه همسر،م و بقیّه طلاها را پدر و مادر هم‌گام عقد ازدواج به من هدیه کرده‌اند. مقداری را نیز هنگام تولّد فرزندانم اقسام اهداء کرده‌اند) اکنون مایل هستم آنها را تقدیم حضور مرع و امام نمایند تا در جهت انقلاب به مصرف برسند. بفرمائید که اگر در این زمینه با همسر مشورت نکنم و با در صورت مشورت با مخالفت ایشان رو به رو گردم آیا شرعاً اجازه دارم اقدام نمایم؟
ج- طلاجات و زینت آلاتی که ملک زن است اختیار آن با خود زن است، و اجازه شوهر شرط نیست.

س ۲۰- آیا زن بدون اذن شوهر می تواند با اموال خودش چیزی بخرد یا نه؟

ج- زن می تواند با مال خودش خرید و فروش نماید.
بر همین پایه است که اسلام در عین حال که بر ضرورت اخلاق و گذشت و تقاضم و مالاری در زندگی مشترک تأکید دارد، طرفدار شفافیت و رعایت حدود و انضباط مالی بین زن و شوهر نیز می باشد. امر مهمی که متأسفانه به جهت باورهای اشتباه و یا ملاحضات و تعارفات بیجا، بسیاری از زندگی‌های مشترک فاقد آن بوده و احیاناً با گرفتاری‌ها، مشکلات و فشارهای روانی ناشی از آن دست و پنجه نرم می کنند.

کم نینستند مردانی که به دلیل بی اطلاعی از احکام اسلام یا خدای ناکرده از سر تعجّال و تغافل، اختیار اموال و داریایی و حساب بانکی و حقوق زنان خود را به دست گرفته بدون اطلاع و رضایت زن، حتی با وجود اظهار مخالفت وی در آن تصرف کرده و ذمه خود را به حق الناس مشغول و مدیون می سازند.
این که آنان را از صرف مال خود در هزینه‌های خیرخواهانه و خدایستدانه، و مساعدت مالی به خویشان و نزدیکان حتی پدر و مادر، یاز می دارند. و چه بسا در برابر مقاومت زن و اصرار وی بر حقوق شرعی خویش آشوب به پا کرده و زن را عملاً بین آرامش زندگی و صرف نظر کردن از حق الهی خویش مجبر می سازند و کودکانه دل خوش می دارند که زن را به خواسته خود راضی و همراه نموده اند.

بسیارند زن و شوهرانی که مالی از یکدیگر طلب‌کنند و برای نیازهای واجب و مستحب و مباح بدان محتاجند، اما با داشتن امکان پرداخت، حق را از یکدیگر دریغ نموده و از آدای آن استنکاف می ورزند.

حال آن که اسلام هیچ یک از زن و شوهر را مجاز به خودداری از ادای حق یکدیگر و یا تصرف در ملک و دارییی دیگری بدون رضایت او نکرده است. و زن و مرد را صاحب اختیار اموال خود قرار داده و هر تصرف بدون اذن و رضایت صاحب مال را حرام، غصب و موجب ضمان می داند چه زن هر مرکب آن شود و چه شوهر.

«دفتر ادبیات فارسی زبانان» حوزه هنری چهار شبه افتتاح می شود

«دفتر ادبیات فارسی زبانان» مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری، چهارشنبه دوم مرداد در سالن اجتماعات مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری افتتاح خواهد شد.

به گزارش فارس، مراسم افتتاحیه دفتر ادبیات فارسی زبانان مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری با حضور علیرضا فروزه، محمد حسین جعفریان مسئول دفتر ادبیات فارسی زبانان و جمعی از شاعران دفتر شعر حوزه هنری و شاعران فارسی زبان تاجیکستان و افغانستان افتتاح خواهد شد.

مراسم افتتاحیه این دفتر از ساعت ۱۰ تا ۱۲ روز یاد شده در سالن کنفرانس مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری برگزار خواهد شد.

سرورس فرهنگی، هنری:

موزه ملی مطبوعات ایران همزمان با میلاد امام حسن مجتبی(ع) گشایش می‌یابد.

به گزارش خبرنگار ما،

محمدجعفر محمدزاده، معاون مطوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دیروز ضمن اعلام این خبر در جمع خبرنگاران گفت: «مطبوعات ایران سابقه پر فراز و نشیبی دارند؛ سابقه‌ای که نشان می دهد مطبوعات در کشور ما با اهمیت هستند و تشکیل موزه مطبوعات در ایران از راهایی است که می توان به وسیله آن از این میراث ارزشمند حفاظت کرد.»

وی درباره محل موزه توضیح داد: «این موزه در یکی از خانه‌های تاریخی تهران در چهارراه مولوی تأسیس شده است. تأسیس این موزه فرصت مناسبی است تا فضایی برای بازدید و پژوهش علاقه‌مندان فراهم شود.»محمدزاده از جمله نمونه‌هایی که در این نمایشگاه در معرض دیدن علاقه‌مندان قرار می گیرند به اولین ادوات چاپ، ثبت و نشر مطبوعات و اولین سندهای مرتبط با مطبوعات اشاره کرد و افزود: «تزدیک



به ۳۷۰سال از عمر روزنامه چاپی در جهان می گذرد در حالی که اولین روزنامه چاپی در ایران توسط میرزا صالح شیرازی به نام روزنامه «کاغذ اخبار» در محرم ۱۲۵۳ قمری مصادف با ۱۱ اردیبهشت ۱۲۱۶ شمسی منتشر شده است. ایجاد این موزه لازم بود و برای حفظ آثار برجای مانده از آن زمان، ضرورت داشت.محمدزاده در پاسخ به سؤال خبرنگار مامی بر این که در این موزه چه راهکارهایی اندیشیده شده است تأاین اسناد و ادوات برجای مانده در شرایط استاندارد مورد حفاظت قرار می گیرند به اولین ادوات چاپ، ثبت و نگیرند، گفت: «در این موزه اسنادی که نیازا بود در معرض هوا نباشند، در

موزه ملی مطبوعات ایران فردا گشایش می یابد

آیین نامه‌های مختلف، تدوین آیین نامه نظارت بر نشریات الکترونیکی،اصلاح قانون جامع مطبوعات،اصلاح آیین نامه مالیات درحوزه نشریات،تأسیس سرانه

روزنامه‌نگاران در تهران و شهرستان‌ها، برگزاری جشنواره نشریات تخصصی، جشنواره سالانه پیش‌نگاران جشنواره مطبوعات محلی از جمله فعالیت‌های ما در طول سال‌های گذشته بوده.

وی سبا اشاره به دانشنامه مطبوعات ایران و جهان‌اسلام نیز گفت: «این مؤسسه به نام معاونت مطوعاتی وزارت ارشاد به ثبت رسیده است و بیش از ۱۰۰ نفر از استادان، روزنامه‌نگاران و مورخان روی این دانشنامه فعالیت می کنند که به امید خدا مداخل «ا» و «الف» آن به زودی منتشر می شود.»

در پایان این نشست اعلام شد که برگزیدگان جشنواره فصلی مطبوعات و افتتاضیه موزه مطبوعات معرفی خواهند شد.

موزه ملی مطبوعات ایران چهارشنبه دوم مرداد، همزمان با میلاد امام حسن مجتبی(ع) در چهارراه مولوی، خیابان صاحب‌جمع شماره ۲۳۸ گشایش می‌یابد.

معرفی برگزیدگان نخستین جشنواره «رسانه، علم و فن آوری»

مرکز علمی که از ما درخواست مجوز نشریه علمی می توانند در حاکم شدن گفتمان علمی در کشور نقش بسزایی داشته باشند و افکار عمومی را به این سمت بسیج کنند.»

دکتر سید محمد حبیبی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان مطلب بالا در نخستین جشنواره «رسانه، علم و فن آوری» افزود: برگزاری این جشنواره برای ارائه پیشرفت‌های علمی و فن آوری یک ضرورت بود تا جوانان ما با اعتماد به نفس بیشتری برای دستیابی به اهداف بلند جمهوری اسلامی تلاش کنند. وی با بیان این که سال‌هاست رهبر معظم انقلاب پرچمدار علمی کشور هستند، یادآور شد: ایشان دو مقوله علم و اقتصاد را جزو اولویت‌های دولت یازدهم برشمردند و معتقد هستند که اگر اقتصاد ما هم بخواهد رشد کند، باید دانش بنیان باشد.

حبیبی با بیان اینکه رشد علمی کشور ما در جهان بی نظیر است و همگان بر افزایش تعداد مقاله‌ها، و مستندات که در محافل علمی دنیا منتشر می شود، ادعان دارند، افزود: در دولت دهم هر دانشگاه و

یک نمایش جدید در مجموعه تئاتر شهر



براهیم پشت‌کوهی و بازی رویا سسی‌پور، ماندانا لیاقت، یاشار نونهالی، معصومه آقا بیگی، الهام اسکندری، فاطمه جعفری، محمد سایبانی، علیرضا سرحدی، امیر علی نمایش «اینسون کرووزونه»

اخبار داخلی

تجلیل از «استادالاساتید» قاریان قرآن و دکتر حداد عادل در «عمری با قرآن»

مراسم «عمری با قرآن» امسال هم توسط سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران برگزار می‌شود و در آن از ۶ چهره قرآنی تجلیل به عمل خواهد آمد که «استادالاساتید» قاریان قرآن و دکتر حداد عادل از آن جمله‌اند.

روابط عمومی سازمان فرهنگی و هنری شهرداری تهران اعلام کرد:دوازدهمین دوره تجلیل از پیشکسوتان، خادمان و چهره‌های قرآنی، ۴ مرداد ۱۳۹۲ در سالن همایش‌های برج میلاد بر گزار می‌شود و در این مراسم از دکتر غلامعلی حداد عادل و جمعی از فعالان این عرصه تجلیل خواهد شد.

این مراسم همزمان با میلاد امام‌حسن مجتبی(ع) برگزار خواهد شد و طی آن از ۶ فعال و پیشکسوت قرآنی و همچنین خانواده مرحوم حاج یوگ اصل محمدی استاد قرآن شهر تهران مشهور به «استادالاساتید» تجلیل خواهد شد.

در این دوره از خدامان قرآنی همچون دکتر غلامعلی حداد عادل در رشته ترجمه و تفسیر و پژوهش قرآنی،سیدمهدی سیف استاد آموزش قرآن، حسین طریقی حافظ کل قرآن و استاد راهنمای حفظ، ولی الله پاراحمدی پیشکسوت در حوزه مدیریت قرآنی، «علی‌اکبر حشمتی» داور پیشکسوت و استاد آموزش قرآن و پروانه مهدوی پیشکسوت آموزش قرآن در بخش بانوان و همچنین خانواده مرحوم حاج یوگ اصل محمدی استاد قرآن شهر تهران مشهور به استادالاساتید، در گذشته به سال ۱۳۵۸ تجلیل خواهد شد.این مراسم ساعت ۱۸ جمعه، ۴ مرداد ۱۳۹۲ با حضور جمعی از فعالان قرآنی در سالن همایش‌های برج میلاد تهران بر گزار خواهد شد.

صادقی: هنرمندانی از ۷۰ کشور در جشنواره هنر مقاومت شرکت می کنند

حبیب‌الله صادقی دبیر جازیه جهانی هنر مقاومت در مراسم افتتاح افطار انجمن هنرهای تجسمی آلبات و دفاع مقدس از حضور هنرمندان ۷۰ کشور دنیا در سومین جازیه جهانی هنر مقاومت خبر داد.

به گزارش روابط عمومی سومین جشنواره جهانی هنر مقاومت، جمعی از هنرمندان، مسئولان فرهنگی و اصحاب رسانه شامگاه یکشنبه ۳۰ تیر در ضیافت افطار جشنواره جهانی هنر مقاومت شرکت کردند. در این ضیافت که به میزبانی کرد، در فرهنگي روايت‌برگزار شد، دکتر حبیب الله صادقی دبیر کل جشنواره گزارشی از برگزاری سه دوره این جشنواره ارائه کرد و از توجه خاص فعالان عرصه هنرهای تجسمی کشور از سرشاس کشور و رئیس فرهنگستان هنر از درگاه الهی طلب سلامتی کرد. در این مراسم علاوه بر جواد جباری رئیس جشنواره و محمد حبیبی دبیر اجرایی جشنواره و دبیران بخش‌های دوازده گانه جشنواره، چهره‌های ماندن حسین مسافر آستانه، مجیدرجبی معمار، مهدی مسعودشاهی و همچنین نمایندگان رسانه‌های جمعی و هنرمندان و مسئولان نهادهای فرهنگی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، موزه هنرهای معاصر، حوزه هنری، سازمان تبلیغات اسلامی و بنیاد شهید حضور داشتند.

سومین جشنواره جهانی هنر مقاومت آذر اسال توسط بنیاد فرهنگی روايت‌و انجمن هنرهایتجسمي انقلاب و دفاع مقدس در دوازده رشته گوناگون و دوامتند در جشنواره‌های این انجمن صورت‌گرفته و با انتخاب ده‌جمله هنرمندان توانسته به دور این جشنواره را بر گزار کند و جمعی که این کار بزرگ را انجام داده‌اند، به دور از جباه و با نجابت و صداقت توانسته‌اند برگ جدیدی به دفتر هنر انقلاب بیافزایند و در رسیدن به اهداف والای هنر متعهد گام بردارند. صادقی از افتتاح سومین جشنواره

آغاز به کار ۴ دانشگاه ويژه دختران از مهر امسال

معاون اداری و مالی وزارت علوم با اشاره به افزایش ۱۱ برابری مراکز آموزش عالی از انقلاب تا کنون، از بررسی مجوز ایجاد ۱۳ دانشگاه تک‌جنسیتی در کشور خبر داد.

به گزارش ایسنا، علی اکبر متکان در نشست خبری دیروزبا اشاره به ایجاد دانشگاه‌های ویژه دختران به عنوان یکی از فعالیت‌های خوب دولت دهم، گفت: جای تأسف است که می‌گویند سیاست وزارت علوم تفکیک جنسیتی است، آنچه که دکتر دانشجو به ما دستور داد بر آن تأکید شد. ایجاد دانشگاه‌های دخترانه بود، اما بعضی از دانشگاه‌ها ایده خودشان بود که دانشجوی‌های خود را تفکیک کنند.

وی بیان اینکه همه جای دنیا دانشگاه تک جنسیتی دارد، اظهار کرد: ما اقدام به انجام این کار کردیم تا خانواده‌هایی که می‌خواهند فرزندان در یک دانشگاه دخترانه درس بخواند، قدرت انتخاب داشته باشند. متکان با بیان اینکه در حال حاضر ۱۳ دانشگاه تک‌جنسیتی در داخل کشور وجود دارند، گفت: چهار دانشگاه ویژه دختران نیز از مهر ماه سال جاری پذیرش دانشجو خواهند داشت. این‌ها شامل مراکز آموزش عالی میناب، دانشگاه تکنولوژی حضرت زینب سیزوار، دانشگاه ریحانه شاهرود و

فرزانگان سمنان هستند. به گفته وی ۱۳ دانشگاه نیز برای ایجاد دانشگاه تک‌جنسیتی در دست بررسی هستند.معاون مالی و وزارت علوم با اشاره به فعالیت‌های خیرین در ایجاد پروژه‌های دانشگاهی، اظهار کرد: خیرین تاکنون در ۱۲۵ پروژه با مساحتی بالاتر از ۹۹۲ هزار و ۶۹۰ متر مربع شرکت داشتند که از این تعداد ۸۹ پروژه با مساحت ۳۶۹ هزار و ۵۰۰ متر مربع ساخته شده و ۳۶ پروژه با مساحت ۱۲۳ هزار و ۱۹۰ مترمربع در حال ساخت هستند. وی همچنین با اشاره به ایجاد پردیس شهید در دانشگاه‌ها در دولت دهم، گفت: ما احساس کردیم که جنگ تحمیلی و ایثار شهدا و رزمندگان در نسل‌های سوم و چهارم به افسانه تبدیل می‌شود، به همین دلیل اقدام به ایجاد پردیس‌های شهدا در دانشگاه‌ها کردیم. وی با بیان اینکه تاکنون ۲۲ پردیس در دانشگاه‌ها ایجاد شده‌است، تصریح کرد: این پردیس‌ها در دانشگاه‌هایی از جمله تهران، مازندران، امیرکبیر، علم و صنعت، شهرکرد، صنعتی اشتهارد، شریف و ... است.

متکان خاطر نشان کرد، همچنین ۲۵ پردیس شهید در حال اتمام و به‌پیربرداری است که حدود ۰ درصد از کار آنها به اتمام رسیده است. وی گفت: ۱۸ پردیس نیز در دانشگاه‌ها در حال طراحی و برنامه‌ریزی هستند.

گشایش آزمون‌های

معرفی ۱۰ هزار رشته محل بدون آزمون از ۱۷ مرداد
رئیس سازمان سنجش آموزش کشور اعلام کرد که بر اساس تصویب کارگروه کنکور، در ۱۷ مرداد ۱۰ هزار رشته محل برای پذیرش بدون آزمون اعلام می شود.

ابراهیم خدایی در گفتگو با مهر، درباره احتمال افزایش رشته محل‌ها به دوره پذیرش بدون آزمون در سال ۹۲، اظهار داشت: تعداد رشته های پذیرش بدون آزمون بر اساس تصمیم کارگروه ۱۰ هزار رشته محل بود که بخشی از این پذیرش در دی ماه و بخش بعدی آن از ۱۷ مرداد صورت می گیرد. رئیس سازمان سنجش ادامه داد: در صورتی که رشته‌های هم سنگ رشته محل های فعلی پذیرش بدون آزمون راه اندازی شوند برای پذیرش در دفترست قرار می گیرند اما این دوره از پذیرش تفاوت معناداری با سایر رشته های دی ماه نخواهد داشت.

زمان انتشار ویژه نامه راهنمای انتخاب رشته
مشاور عالی سازمان سنجش آموزش کشور از اعلام نتایج اولیه کنکور ۹۲ به صورت کارنامه تا روز شنبه ۱۲ مرداد ماه خبر داد.

دکتر حسین توکلی در گفت و گو با ایسنا، با اشاره به انتشار دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری از روز سه شنبه ۱۵ مرداد ماه، گفت: دفترچه راهنمای انتخاب رشته کنکور ۹۲ به صورت الکترونیکی منتشر می شود، بنابراین آزمون بدون آزمون چاپ و تکثیر نخواهد شد. وی با بیان اینکه دفترچه راهنمای انتخاب رشته حاوی شرایط تحصیلی گروه‌های آزمایشی پنج گانه است، اظهار کرد: این دفترچه از ۱۵ مرداد ماه بر روی سایت سازمان سنجش به نشانی **www.sanjesh.org** قرار خواهد گرفت.

وی به انتخاب رشته از ۱۷ تا ۲۲ مرداد ماه اشاره کرد و افزود: دفترچه راهنمای انتخاب رشته هر یک از گروه‌های آزمایشی پنج گانه به طور جداگانه برای هر یک از گروه‌های آزمایشی تهیه شده و از تاریخ مذکور منحصرا بر روی سایت سازمان سنجش قرار می گیرد. توکلی با بیان اینکه نرم افزار راهنمای انتخاب رشته بعد از اعلام نتایج اولیه در اختیار داوطلبان قرار می گیرد، اظهار کرد: ویژه نامه و کتاب راهنمای انتخاب رشته تا هفته آینده در دستر داوطلبان قرار می گیرد.

به نام قادر مطلق

به نام قادر مطلق

به نام قادر مطلق

آنچه توانسته ایم لطف خدا بوده است

به نام قادر مطلق

آگهی پرداخت سود سهام بانک پاسارگاد

برای عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰

- افتخار دارد به آگاهی سهامداران محترم بانک پاسارگاد برساند به موجب تصویب مجمع عمومی عادی سالیانه که در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۷ برگزار گردید، سود نقدی سال مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰، مبلغ ۲۵۰ ریال به ازای هر سهم تعیین گردید که به شرح ذیل قابل پرداخت می باشد:
- الف – اشخاص حقیقی:**
- سود نقدی سهام سهامداران گرامی حقیقی که در تاریخ ۱۳۹۲/۰۴/۱۷ سهامدار بانک بوده و دارای حساب نزد بانک پاسارگاد می باشند، در تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۰۵ به حساب آنها واریز خواهد شد.
- آن دسته از سهامداران گرامی که فاقد حساب بانکی نزد این بانک می باشند، با توجه به تعداد سهام، در روزهای تعیین شده به شرح جدول زیر با در دست داشتن کارت شناسایی معتبر (شناسنامه و کارت ملی) به یکی از شعبه های بانک پاسارگاد در سراسر کشور مراجعه و با افتتاح حساب، نسبت به دریافت سود سهام خود اقدام نمایند.

تعداد سهام	تاریخ مراجعه
تا ۵۰۰۰ سهم	۱۳۹۲/۰۵/۰۱ الی ۱۳۹۲/۰۵/۱۰
از ۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ سهم	۱۳۹۲/۰۵/۱۱ الی ۱۳۹۲/۰۵/۱۴
از ۱۰۰۰۱ تا ۲۰۰۰۰ سهم	۱۳۹۲/۰۵/۱۵ الی ۱۳۹۲/۰۵/۱۷
از ۲۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰ سهم	۱۳۹۲/۰۵/۲۰ الی ۱۳۹۲/۰۵/۲۲
از ۵۰۰۰۱ سهم به بالا	۱۳۹۲/۰۵/۲۳ الی ۱۳۹۲/۰۵/۲۶

- هم چنین سهامداران گرامی حقیقی که در تاریخ های مذکور موفق به مراجعه و دریافت سود نشوند، می توانند از تاریخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۷ جهت دریافت سود سهام به شعبه های بانک پاسارگاد مراجعه نمایند.
- ب- اشخاص حقوقی:**
- سهامداران محترم حقوقی از تاریخ ۱۳۹۲/۰۷/۰۱ با معرفی کتبی نماینده و اعلام شماره حساب نزد بانک پاسارگاد، به یکی از شعبه های بانک پاسارگاد در سراسر کشور مراجعه و نسبت به دریافت سود سهام اقدام نمایند.

امور سهام بانک پاسارگاد

۱ ساله تا ۵ ساله

مهلت افتتاح حساب: ۱۵ تیر لغایت ۲۴ آمواد

برای کسب اطلاع بیشتر به شعبه‌های بانک پاسارگاد مراجعه فرمایید.
مرکز مشاوره و اطلاع رسانی: ۰۲۱- ۸۲۰۸۲۸۹۲۸۹
www.bpi.ir



■ نوشته: دان راویو - یوسی ملن ■ ترجمه:مرتضی میرمطهری ■ ۳۶۸

اسرائیل دیگر موضوع را با آمریکایی‌ها مطرح نکرد و از آنها نخواست که «والتر» را به آمریکا برگردانند.

در همان ایام وابسته نظامی آمریکا هنگام عکس‌برداری از منطقه نظامی ممنوعه اسرائیل در نزدیکی مرز لبنان گیر افتاد.

برخی از مقامات امنیتی اسرائیل پیشنهاد کردند که در تلافی رفتار خشنی که آمریکا با «پولارد» کرده بود، او را از اسرائیل اخراج کنند، اما اسرائیل او را اخراج نکرد، زیرا نمی‌خواست به روابطش با آمریکا که پیشاپیش مخدوش شده بود، لطمه بیشتری بزند.

برخی از یهودیان آمریکایی احساس می‌کردند که ماندگارترین تأثیر ناشی از جاسوسی توسط «پولارد»، صرفنظر از مشقت طولانی در زندان، نقای ناراحت‌کننده بین آنها و دولت اسرائیل بوده است.

آنها در شگفتی بودند که در یک بازی بزرگ که عاری از هر گونه تفریح و سرگرمی است، تشکیلات امنیتی اسرائیل به آنها به چشم یک بازیچه نگاه می‌کند.

با استخدام «پولارد» و بهره‌برداری از شکافی که در وفاداری‌اش نسبت به وطنش ایجاد شده بود، اسرائیلی‌ها نشان دادند که در مورد واقعیت‌های زندگی اقلیت‌های یهودی در آمریکا حساسیت ندارند. یهودیان آمریکا به درستی احساس می‌کردند که در جامعه آمریکابه خوبی پذیرفته شده‌اند، م‌رفه هستند و موفق می‌باشند.

آنها طالب خیر برای اسرائیل بودند و بسیاری از آنها از اینکه به تحقق آرمانهای اسرائیل کمک کنند، خرسند می‌شدند، اما بیش از هر چیز نسبت به منافع ایالات متحده وفادار بودند.

به جز چند مورد استثنایی، آنها یقیناً نمی‌خواستند که همسایگان غریبه‌سودی آنها فکر کنند که یهودیان آمریکایی، اسرائیل را بیش از ایالات متحده دوست دارند.

وقتی که رؤسای جاسوس‌ها در دولت یهودی به آرامش زندگی یهودیان آمریکایی صدمه می‌زدند، اسرائیل زیاده‌روی کرده بود.

فصل نوزدهم

برده‌پوشی‌ها و قیام‌ها

بسیاری از اسرائیلی‌ها هرگز فکرش را نمی‌کردند، اما اشتغال ساحل غربی و نوار غزه که در سال ۱۹۶۷ با پیروزی آغاز شد، تبدیل به مسئله بفرنج و مزمنی شد: پارستگینی که دولت یهودی که خود را متعهد به دموکراسی و حقوق بشر می‌دانست، به سختی می‌توانست تحمل کند.

تا اواخر دهه ۱۹۸۰، دور طولانی و مخربی از خشونت آغاز گردید. شاید اگر رهبری اسرائیل شامل جامعه امنیتی‌اش، به فلسطینیان تقریباً فقط از دوربین تفنگ نگاه نمی‌کردند، می‌شد از بروز این خشونت‌ها جلوگیری کرد.

مقامات اسرائیلی ادعا می‌کردند که «بی‌ال‌او» و سایر گروه‌های فلسطینی برای به کرسی نشاندن خواسته خود مبنی بر نابود شدن دولت یهودی مرتکب اقدامات تروریستی می‌شوند.

اسرائیلی‌ها می‌گفتند که شدت عمل نیروهای دفاعی اسرائیل و «شین‌بت» در سرزمین‌های تحت کنترل اسرائیل، به عنوان نوعی از دفاع از خود، ضروری است؛ هر چند اسرائیل از گفت‌وگو با «بی‌ال‌او» خودداری و آمریکا را نیز ترغیب می‌کرد که به عنوان بخشی از سیاست اسرائیل مبنی بر این که هرگز نباید با تروریست‌ها مذاکره کرد، تحریم مذاکره با «بی‌ال‌او» را رعایت کند.

ادامه دارد

* اشاره

سرویس خارجی: آیا سیاست‌های داخلی و خارجی قطر با روی کار آمدن شیخ «تمیم» دگرگون خواهد شد؟ آیا تغییر چهره حکومت قطر، نتیجه دادن این هشدار به حاکمان بوده است که آنها باید توجه خود را به امور داخل تمرکز کنند و از مداخله در امور سایر کشورها در جهان عرب بپرهیزند؟ آیا این ظرفیت در شیخ تمیم و دولت جدید قطر هست که با ایجاد تغییرات گسترده، حکومت خود را از ناآرامی‌های احتمالی ناشی از نارضایتی‌های داخلی و منطقه‌ای، مصون نگاه دارند؟ اینها بخشی از پرسش‌هایی است که ذهن ناظران آگاه‌ادر مواجبه تئوآراید. خود قطر به خود مشغول کرده است. بخش پایانی مقاله به بررسی این موضوعات اختصاص دارد.

امیر سه سال با این وضعیت جسمانی دست به گریبان بوده است. وی گفت: «امیر فکرمی‌کن‌دین بهترین فرصت است که نسل جوان‌تر بر سر کار آید. خود امیر نیز زمانی که بر سر کار آمد، بسیار جوان بود. وی دوست دارد این روند ادامه یابد».

دلیل کناره گیری وی هر چه باشد، ایمن مدلل کناره گیری داوطلبانه از قدرت، همانگونه که «فاینشتال تایمز» عنوان می‌کند، در میان حکام عرب بسیار بی نظیر و بی‌سابقه است. در این زمینه برخی از دیپلمات‌ها معتقدند که شیخ حمد با این کناره گیری از قدرت، پس از کودتای نرمی که علیه پدرش در سال ۱۹۹۵ داشت، خواست ثبات را در قطر حفظ کند.

در رابطه با این نحوه کناره گیری شیخ حمد، می‌توان دو گونه گمانه‌زنی داشت: نخست اینکه ترس از تکرار تازش و سرنوشت پدرش، وی را به این فکر انداخت که با کناره گیری داوطلبانه از قدرت، به نوعی هم ثبات کشور را حفظ و هم

روندی از نحوه انتقال مسالمت آمیز قدرت در این کشور ایجاد کند. دوم اینکه هوشتاری و ترس، شیخ حمد را بر آن داشت تا مصالح کشور را به مصالح شخصی ترجیح داده و با یک روند مسالمت‌آمیز، قدرت را به پسرش انتقال دهد تا

جایجایی قدرت در قطر؛ علل و پیامدها

شیخ «تمیم» و رویکردهای آینده



■ بخش پنجم و پایانی

شیخ «حمد بن جاسم آل ثانی» نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه این کشور بود. وی فردی است که از سال ۱۹۹۲ در قدرت حضور داشته و از معماران اصلی سیاست خارجی قطر است.

برخی منابع از برکناری وی در کابینه تمیم خبر می‌دادند. از جمله می‌توان به گفت‌ووی یکی از مقاماتی که سال‌ها در دفتر نخست‌وزیر کار می‌کرد با نیویورک تایمز اشاره کرد که گفت، غیرممکن است با آمدن شیخ تمیم، حمد بن جاسم بر سر کار بماند.

این مسئله ممکن است تبعات زیادی برای سیاست خارجی قطر داشته باشد. وی یک سرمایه‌دار باهوش است که نقش نظارتی بر مصدوق مستقل قطر داشت که این پست را نیز در زمان شیخ تمیم از دست داد. این صندوق که به نام «فاند» نامیده می‌شود، یکی از قدرتمندترین سرمایه‌گذاران عمده در سهام بانکیست جهانی نشانه‌ای از تغییر سیاست‌های قطر از بیای کر د. شاید این تغییر باعث معطوف شدن تمرکز رهبران قطری به داخل و قدرت نرم این کشور شود، به جای آنکه به مداخله‌علنی و بعصامتسمیم و متخاصمانه در کشورهای منطقه روی بیاورد.

»»»

منطقه ای باشد.
بسیاری از قطری ها خواهند آن هستند که درحالی که به سمت مدرنیزاسیون حرکت می کنند،به فرهنگ وارزش های سنتی شان، نیز احترام گذاشته شود. بر همین اساس احتمال می رود شیخ تمیم تمرکز بیشتری بر مسائل داخلی داشته باشد.

«یوید رابرتس» مدیر موسسه خدمات متحده سسلطنتی قطر در گفتگو با نیویورک تایمز گفت: «من هرگز هیچ مدرکی دال بر تمرکز شیخ تمیم بر امور بین المللی ندیدم.

تمیم تاکنون حضور بین المللی کمتری داشته وبیشتر بر مباحث داخلی متمرکز است.» اگر این مسئله همانگونه که برخی تحلیلگران می گویند صحت داشته باشد، ما باید با آمدن تمیم شاهد تغییراتی در نوع نگاه قطری ها در عرصه سیاست داد. مهمترین این مسائل، عزل

افزایش است. «استغن» می گوید: بسیاری از قطری ها خواهند آن هستند که درحالی که به سمت مدرنیزاسیون حرکت می کنند،به فرهنگ وارزش های سنتی شان، نیز احترام گذاشته شود. بر همین اساس احتمال می رود شیخ تمیم تمرکز بیشتری بر مسائل داخلی داشته باشد.

«یوید رابرتس» مدیر موسسه خدمات متحده سسلطنتی قطر در گفتگو با نیویورک تایمز گفت: «من هرگز هیچ مدرکی دال بر تمرکز شیخ تمیم بر امور بین المللی ندیدم.

تمیم تاکنون حضور بین المللی کمتری داشته وبیشتر بر مباحث داخلی متمرکز است.» اگر این مسئله همانگونه که برخی تحلیلگران می گویند صحت داشته باشد، ما باید با آمدن تمیم شاهد تغییراتی در نوع نگاه قطری ها در عرصه سیاست

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه (نوبت دوم)

شرکت تعاونی خدمات بهداشتی درمانی نوین دیدگان بدینوسیله از کلیه اعضای محترم شرکت تعاونی نوین دیدگان دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه نوبت دوم که رأس ساعت ۱۹:۳۰ روز شنبه مورخ ۹۲/۰۵/۱۲ در محل خیابان بخارست نبش خیابان هشتم پلاک ۱۳ تشکیل می گردد، حضور به هم رسانند. در صورتی که حضور ضروری در مجمع عمومی نباشد، می‌تواند حق حضور و اعمال رای از سوی خود را به صورت کتبی به نماینده تام‌الاختیار خود واگذار نماید. ضمناً بره‌گاهی نمایندگی مزبور با امضای رئیس هیئت مدیره معتبر خواهد بود.

دستور جلسه:

- تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۱/۱۲/۳۰
- پس از استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس
- تعیین دست‌مشی آتی شرکت
- انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل

هیئت مدیره

آگهی مناقصه بک مر حله‌ای (نوبت اول)
اجرای عملیات شبکه جمع‌آوری فاضلاب مسکن مهر
سایت‌های مسکن مهر شهر جدید رامشار

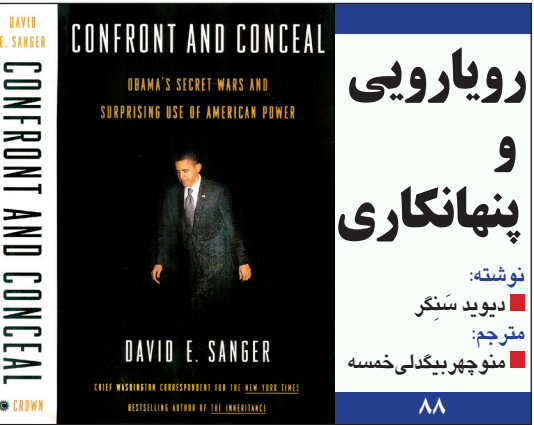
شرکت عمران شهر جدید رامشار وابسته به وزارت راه و شهر سازی درنظر دارد بر اجرای قانون برگزاری مناقصات مصوب سال ۸۳ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن اجرای عملیات شبکه جمع‌آوری فاضلاب مسکن مهر سایت‌های مسکن مهر شهر جدید رامشار، مناقصه‌ای با مشخصات زیر برگزار نماید:

- اعنوان مناقصه:** اجرای عملیات شبکه جمع‌آوری فاضلاب مسکن مهر سایت‌های مسکن مهر شهر جدید رامشار
- شرح مختصری از مشخصات ومقادیر کار:** احداث شبکه جمع‌آوری فاضلاب با آدمروها پلی‌اتیلن با قطر ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیمتر پلی‌اتیلن به طول حدود ۱۲۰۰ متر
- محل اجرای پروژه:** سایت‌های مسکن مهر شهر جدید رامشار واقع در ۳۵ کیلومتر زایل به زاهدان -شهر جدید رامشار
- مبلغ برآورد کار به میلیون ریال:** تقریبی ۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، پراساس قفارس پایه سال ۱۳۹۲
- مدت پیمان:** ۸ ماه
- کارفرما ودستگاه مناقصه‌گزار:** شرکت عمران شهر جدیدرامشار
- دستگاه نظارت:** مهندسین مشاور طرح افرا
- مبلغ تضمین شرکت در مناقصه:** ۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال
- زمان فروش اسناد مناقصه:** ۹۲/۰۵/۰۵ لغایت ۹۲/۰۵/۱۴ در ساعات اداری

- احمد.اراک لازم برای دریافت اسناد:** الف) گواهینامه صلاحیت پیمانکاری مبنی بر احراز پایه پنج (۵) در رشته آب (ب) معرفی معتبر از شرکت مناقصه‌گر (ج) مبلغ ۱۵۰۰۰۰۰ ریال وجه نقد یا رسیدواریز به حساب شماره سپهر شماره ۷۵۰۰۹-۰۵۷۸۰۰۱۰ به نام مهندسین مشاور طرح افرا
- اندشانی محل دریافت اسناد مناقصه:** زاهدان - خیابان کریم‌پور
- ۱- روبروی بیمه کارآفرین - ساختمان ایران - واحد۳ طبقه ۲- شماره تلفن: ۵۴۱۴۲۴۸۷۷
- ۱۲- مهلت تکمیل و تحویل اسناد مناقصه،** حداکثر تا تاریخ ۹۲/۰۵/۲۱ ساعت ۱۱ می‌باشد.
- ۱۳- محل تحویل اسناد تکمیل شده شرکت در مناقصه:** دبیرخانه شرکت عمران شهر جدیدرامشار در قبال اخذ رسیدبه آدرس مندرج در بند ۳

لازم به ذکر می‌باشد تاریخ بازگشایی پاکت‌های پیشنهادها را ساعت ۱۲ مورخ ۹۲/۰۵/۲۲ در محل سالن کنفرانس شرکت عمران شهر جدیدرامشار می‌باشد.
شرکت عمران شهر جدیدرامشار

سه شنبه یکم مرداد ۱۳۹۲ - ۱۴ رمضان ۱۴۳۴ - ۲۳ جولای ۲۰۱۳ - شماره ۲۵۶۴۷



چند روز بعد که مراسم تشییع و تدفین مقدم برگزار شد، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، مقام معظم رهبری ایران برای ادای احترام حضور یافتند. روز بعد مطبوعات ایران این متخصص موسک و همکارانش را با عنوان «شهدا» مورد تکریم قرار دادند.

حقیقت واقعه آن پایگاه هر چه بود، در پشت قتل‌ها و انفجارها دو مقصود وجود داشت. یکی از آنها واضح است: کند کردن توانایی ایران در تولید و استفاده از یک سلاح با زدن داشته‌های صعب‌البدیل و قدرت مغزی آن. از این لحاظ به مساعی ادارهٔ سرویس‌های استراتژیک (سلف سیا) در جنگ دو جهانی بسیار شباهت دارد، که دانشمندی را هدف می‌گرفت که بیم داشت آلمان نازی را به دستیابی به اسرار بمب اتمی نزدیکتر سازند. اما هدف دوم تقریباً به تمامی جنگ روانی بود. اسرائیلی‌ها مصمم بودند بگذر ترس در نخبه‌ترین محافل علمی ایران بکنارند. وسوسه کار کردن در س سری‌ترین و پولدارترین پروژهٔ ایران می‌زنسد و عزمش را جزم‌تر اسرائیل می‌کوشیدند ترس از بمب چسبسان را حتی حادت دهد. از بیرون که بگیریم، ناممکن است که بدانیم آیا این استراتژی کارساز است یا آیس‌اصرفا به احساس مظلومیت ایران دامن می‌زنسد و عزمش را جزم‌تر می‌سازد. ایرانی‌ها نگرانی‌های دیگر هم دارند. از آنس بین‌المللی انرژی اتمی به طراح‌ها، ایمیلهای داخلی، و یادداشت‌های علمی از برنامه هسته‌ای، که خیانتکارها لو داده‌اند، دست یافته است. داستانهای نقل شده است که برخی عوامل خود را به غرب رسانده و تحت حمایت آمریکایی‌ها، اسرائیلی‌ها، و اروپایی‌ها قرار گرفته‌اند. یک مقام اطلاعاتی آمریکایی می‌گفت که برای ایرانی‌ها اسنژال بزرگ این است که دشمنان ما دیگر چه چیزها می‌دانند؟ محل تأسیسات سری؟ چطور باید در نسل جدید تجهیزات خرابکاری کرد؟

با شتاب گرفتن خرابکاری و «حوادث»، ایرانی‌ها انتخابی دشوار در پیش داشتند. اعلام اینکه برخی از این انفجارها، از جمله انفدام پایگاه موسکی واقعأ حادثه بوده است، مخاطرهٔ خود را به همراه می‌آورد. به قول یک مقام ارشد آمریکایی این اعلام مردم را به فکر می‌انداخت که معتبرترین برنامهٔ ملی «فوق‌العاده با بی‌قنایتی» اداره می‌شود. راه بدبیل محکوم کردن غرب به دلیل خرابکاری و جاسوسی باعثتراف به این بود که غرب تا عماق برنامهٔ گر انستگ ایران رخنه کرده است.

فقط ایرانی‌ها نبودند که به مشکلات فنی دچار آمدند. آمریکایی‌ها هم چنین شدند.

در سپامبر ۲۰۱۱، سیا یک پهباد غیرمسلاح رادارگریز «آر کیو - ۱۷۰» را از مجموعهٔ تانگو در افغانستان به منظور انجام ماموریتی سری بر فراز ایران «قرض» کرد.

هیچ کس آشکارا دربارهٔ اهداف این پرواز سخن نگفته است، اما هدف آن بخشی بود از یک برنامهٔ ۳ سالهٔ چک کردن صدها-شاید هزاران-تولن که در سراسر کشور خف و بعضی از آنها ظن می‌رود که عناصری از برنامه هسته‌ای ایران را در خود پنهان کرده‌اند. این تولن‌ها جزیی از سیستمی است که ایرانی‌ها آن را «پدافند غیرعامل» می‌نامند، که حساس‌ترین تأسیساتشان را با برکنادن و زیرزمینی کردن، کار بمباران شدن آنها را دشوار می‌گرداند.

چندین سال قبل یکی از رؤسای پیشین سازمان انرژی اتمی ایران با غرور گفت: «آنها را دو کوه‌ها بخش می‌کنیم، ما از پدافند غیرعامل استفاده می‌کنیم، بنابراین این احتیاجی به دفاع فعال نداریم.»

پهادارادار گریزب بهترین ابزار آمریکابرای رسیدن به آن کوه‌ها و شناسایی هدف‌های بالقوه است. یک مقام ارشد اطلاعاتی دولت آمریکا می‌گفت: «گام‌های بر نامه‌ریزی تماماً استاندارد».

آگهی مزایه‌ی فروش آپارتمان -نوبت اول
درنظر است دو دستگاه آپارتمان محل دفتر تهران شرکت البرز دارو (سهایی عام) جمعا به مساحت ۵۰۶ مترمربع واقع در تهران - خیابان خالد اسلامبولی -خیابان ۳۳- شماره ۲۰ از طریق مزایده فروخته شود. متقاضیان می‌توانند جهت بازدید از موضوع آگهی و دریافت فرمهای مربوطه، از تاریخ نشر آگهی تا پایان روز یکشنبه، تاریخ ۹۲/۰۵/۱۳ به آدرس فوق مراجعه نمایند.

هیات مدیره -شرکت البرز دارو (سهایی عام)

آگهی دعوت مجمع عمومی موسس
انجمن صنفی کارفرمایی تولید کنندگان سراب درووی
اولین مجمع عمومی انجمن صنفی مذکور، ساعت ۱۰ صبح روز شنبه مورخ ۱۳۹۲/۰۵/۲۱ در محل هتل استقلال - شهر ناول اوشانو به نشانی آنوان چمران برگزار می‌گردد. آ کلیه کارفرمایان عضو شاغل در صنف مربوط دعوت می‌شود در جلسه مذکور شرکت نمایند.

دستور جلسه: ۱- تصویب اساسنامه ۲- انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیات مدیره و بازرسان ۳- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های هیات انجمن صنفی



به این ماه از پنجره محک نگاه کنید...

در ماه رمضان هزاران مادر هنگام سحر دست به آسمان بر می دارند و هزاران کودک شبانگاه آرزوهای خود را با ماه شریک می‌شوند.... این ماه را با عشق نقاشی کنید و طرح نوع دوستی و زندگی بشکشد. -ایین روزها بهترین فرصت برای حمایت از کودکان مبتلا به سرطان است.

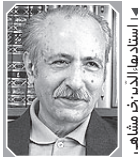
با ما تماس بگیرید: ۰۲۱-۲۳۵۴۰۰

و یا با شماره گیری کد ۰۷۳۳۳ به از طریق تلفن همراه، ما را یاری دهید.

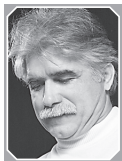


برای بازدید از این مجموعه حاصل عشق شماس، با شماره تلفن ۰۲۱-۲۳۵۰۰۱۲۱ تماس بگیرید.

کژتابی های ذهن و زبان



استادها اندرین رخ شاه می



اکبر اکسیر



شاعران، تنها گروه از آدمیان هستند که از آغاز اختراع صنعت شعر تا به امروز، کودک مانده اند. آنکه همراه هیکل خود قدم می کشد و بزرگ می شود و بعد مجبور می شود حرف های گنده بزند، هرگز شاعر نیست. شاید فیلسوفی است در پوست شعر.

شاعران واقعی بدون توجه به رشد گیاهی دست و پا و اعضای بدن خود، همبازی کودک درون می شوند و دنیا و شناسنامه به کناری می نهند و در معصومیت سیال سال ها غوطه می خورند. گاه از لاک خود در می آیند و تلنگری به خاطرات نوستالژیک خود می زنند و ما را به جادوی جاودانه کودکی می برند و عطر شعر، دنیا را می گیرد.

این گونه شعر، وظیفه پرسنلی اش در تزریق نشاطی است که جان جهان را سرمست می کند. از این گونه شاعران، انتظاری بیش از این نیست. نباید به زبان و بیان و فرم شعر آنها ایراد گرفت. نباید آنها را به عدم تعهد محکوم کرد. نباید آنها را به چهار میخ نقد کوبیده کشید.

یکی دیگر، عبارت ها و اصطلاح هایی است که با «از» شروع می شود؛ مثل «از اینجا رانده از آنجا مانده»، «از هفت دولت آزاد»، «از دماغ فیل افتاده»، «از گرسنه بگیر بده به سیر»، «از هر چمن گلی»، «از من گفتن»، «از این گذشته»، «از حق نگذریم»، «از هر چه بگذری [در اصل: می رود] سخن دوست خوشترست»، «از خود راضی»، «از خدا بی خبر»، «از دل پر خاسته»، «از آن طرف بام افتادن»، «از من نشنیده بگیر»، «از من / ما (+فعلی از مصدر «کشیدن»)»، «از سبزی خوردن است»، «از تو به یک اشارت [از من به سر دویدن]»، «از ته دل»، «از جون کیف کردن»، «از خود مایه گذاشتن»، «از سوراخ سوزن تو رفتن» [و از در دروازه رفتن / حاکی از افراط و تفریط]، «از همه جا بی خبر»، «از سیر تا پیاز»، «از شیر مرغ تا جان آدمیزاد» و خلاصه دردسر ندهم، بنده از حافظه زبانی خود بیش از ۶۰۰ (ششصد) صفت و عبارت و جمله که با «از» آغاز می شود پیدا کرده و یادداشت کرده ام.

در هیچ فرهنگی حتی به بزرگی لغتنامه دهخدا یا فرهنگ معین، یا فرهنگ بزرگ سخن، بیش از شصت - هفتاد تا پیدا نمی شود. گفتا که یافت می نشود جسته ایم ما. حال اگر آنچه یافت می نشود را آرزو دارید، صبر کنید به این بهمن واره زبانی می رسمیم. برویم به سر کار و کاسی اصلی خود که طرح جملات کژتاب است.

*

در یکی از روزنامه های صبح تهران این عبارت در حکایت از قهرمان فیلمی آمده بود: «او مست کرده بود و دختر گارسن را کتک زده بود» که محتمل دو معنی است. الف) او دختر یعنی فرزند اثاث گارسن را کتک زده بود.

ب) او گارسنی را که دختر بود کتک زده بود. حال بگذریم که گارسن در اصل فرانسوی اش یعنی خدمتکار پسر/ پسر خدمتکار در رستوران ها و بارها و نظایر آن. چنانکه موی سر را آلا گارسن زدن، یعنی پسرانه زدن.

*

در یکی از نشریات تیت درشت و اول صفحه اول این گونه آمده بود: «کسری بودجه ۴۰۰۰ میلیارد تومانی» که معلوم نبود خود بودجه این مبلغ است، یا کسری آن؟! *

در یکی از مجلات عنوان مقاله ای چنین بود: «زیبایی شناسی پسامدرن» که معلوم نیست پسامدرن، صفت برای زیبایی شناسی است یا مضاف الیه و موضوع آن است؟ *

«ادیب فیروزشاهی» از شعرای شبه قاره، در وصف و ستایش زبان فارسی چنین سروده است:

باشد زبان خوب نه مانند فارسی
در شرق و غرب هست سمرقند فارسی
که مصرع اولش محتمل دو معناست:

الف) زبان فارسی مانند زبان خوب نیست.

ب) زبان خوب بسیار است، اما نه مانند فارسی، که همین معنای دوم مراد اوست.

*

دوستی دارم به نام آقای بیژن باری، که گاهی به شوخی به او می گویم: «باری به هر جهت!» او استودیوی فیلمبرداری و دم دستگاه سینمایی و تهیه کنندگی دارد. یک بار با یکی از دوستان دیگر که فیلمنامه نویس است، برای آنکه با هم بر سر قبول یا رد آن بحث کنند، به دفتر جناب باری رفته بودیم. این را هم مثلاً بگویم که یکی از تکیه کلام های دعائیۀ من این است که در اشاره به خداوند می گویم حضرت باری؛ یعنی باری تعالی. و کراراً این تعبیر احترام آمیز را که ادب شرعی هم در بر دارد به کار می برم.

ادامه دارد

معرفی مجموعه شعر «عصر انجیرهای بادی» / ابوالفضل بانی / نشر شاسوسا / ۱۳۹۱

نوستالژیای کاهگلی شعر

ظهر تابستان /...../ کودکی ها کرده ام در پشت بام های کاهگلی، در شهری که انارها، چسراغ خانه هایش بود/ ظهر های تابستان بارها/ تن سپرده ام به خلوت خنک سرداب/ و داستان ها بافته ام از خیال /...../ بی هوا بزرگ شدم/ حالا همان مناره پابرجاست اما پیر/ و درختان باغ آقا پیر شده اند/ و آقا سال هاست که مرده و حالا دنیای مادر به اندازه تخت خوابی است که روزهایش را تکرار می کند/ می گذرم از حیاط/ از درختان انجیر و انار/ و سایه مناره را می بینم/ با کلاغی نشسته بر تیرک پرچمی سبز/ اما... اما/ نه شوق بالا رفتنی/ نه اشتیاق تن دادن به آب حوض گرد حیاط/ سفرها کرده ام و شهرها دیده ام/ اما هنوز در نشئه آن ظهر تابستانم...

* ابوالفضل بانی، همان گونه که خود اقرار کرده است، شعر نوشته هایی برای کودکی و میدان کهنه زادگاهش را به یاری امیرعباس مهندس، در نشر شاسوسای کاشان به چاپ رسانده و از این بابت خوشحال است که خاطرات خود را با زبان ساده و صمیمی تقدیم اهل نظر کرده است. بانی در شعرها یا شعر نوشته ها و شیرین نوشته های کتابش، کار شاقی انجام نداده است. نه با کلمه کشتی گرفته و نه خواسته از گروه شاعران نوگرا باشد. او بدون اینکه بداند، شاعر شده است. شعر نوشته های بانی با تغییر نام ها برای ما که دچار آلزایمر نشده ایم، اتفاق افتاده و او به تنهایی خاطرات جمعی را رقم زده است.

سادگی و روانی روایت و دقت در تشریح ایام گذشته، از منظر شناسایی زاد و بوم و جغرافیای کودکی، حائز اهمیت است. میراث فرهنگی کاشان در ثبت گنجینه های معماری - فرهنگی خود باید از ذهن سیال ابوالفضل بانی کمک بگیرد و برای تک تک نام های آمده در شعر، پلاک و شناسنامه تهیه کند تا فرهنگ پربار مردمی کهنسال با دیرینه ای سرشار از معنویت ماندگار شود.

برای ابوالفضل بانی که دلش را کنار سروهای باغ فین جا گذاشته است، موفقیت آرزومندم. امید که بانی نوعی از ساده نویسی در شعر امروز باشد و برای جذب مخاطب برای شعر امروز، بیش از پیش موفق.

آنها اصلاً در این باغ نیستند! نه فکر تیراژ و تجدید چاپند، نه در خیال جایزه و مجوز. اصلاً به حق التألیف ده در صدی عالم نشر توجه ندارند. آنها با سرودن این شعرها، خود را نجات می دهند. بر عمرشان اضافه می کنند، به شادمانگی خاصی می رسند و اگر با مخاطب خود روبرو شوند، خود را برای گذشتن او ایتم می کنند. در دفتر هر شاعری، از این روایت شاداب نمونه هایی هست که در ذهن جمعی جامعه رسوب کرده اند و ماندگار شده اند. شاعران جوان باید از خود، رمز مانایی این شعرها را پرس و جو کنند و تا می توانند به خود و گذشته خود برگردند. از آنچه بر سرشان آمده است، به همان سادگی و شادابی بنویسند و جماعتی را محسوس خاطرات خود کنند. چرا که در غیر این صورت، روان پریش خواهند شد. آن که می خواهد در دهه نود، شاملو شود یا فروغ، نمی داند که چندین دهه از این اتفاق سبز گذشته است. حالا باید بکوشد تا خودش شود.

دهه نود، دهه کشف خود است. دهه پرداختن به خویشتن خویش، دهه بازیافت انرژی های هدر شده، دهه هویت شاعر امروز. و آن ممکن نیست جز اینکه جامعه اش را بشناسد و تقاضای مخاطب ناصبور امروز را.

«عصر انجیرهای بادی» از ابوالفضل بانی، از انتشارات شاسوسای کاشان، مجموعه شعر نوستالژیک سالهای دیر و دور کودکی است، با آدرس های روشن از کوچه های کاهگلی، از همکلاسی ها و خانه های خاطره، از تمام چیزهایی که به نوعی دیگر در گیرشان بوده ایم و مثل کنه بر البوم خاطر اتمان چسبیده اند و رهایمان نمی کنند...

من از همه درختان باغ آقا بالا رفته ام/ و از مناره مسجد جمعه دیده ام/ تمام کوچه های میدان کهنه را پیاده و در آفتاب داغ تابستان رکاب زده ام/ دو چرخه ۲۸ رالی را که از علی در خانه مانده بود/ وزیر درختان انار/ خانه ها ساختم با چادر کهنه های مادرم/ و مغازه ها ساختم/ با انارها و انجیرهای خشک/ و تابستان ها لذت برده ام/ از آب تنی در حوض خانه/ و یکبار در غفلت

نویسنده ای که رئالیسم را تعطیل می کند



مهندس رضوانجیرزاده

و فلسفه در داستان خسته شده، چیزی عرضه می کند که در لحظه سرگرم می شود.

فرجی هم گفت: قصه های این کتاب، بی زمان و بی مکان اند. شخصیت ها مانند اکثر افسانه ها و حکایات عامیانه، بی نام هستند و عنصر خواب در اکثر آنها مهم است. عنصر دیگری که از مؤلفه های حکایات و افسانه های عامیانه است، به حرف آمدن و حضور حیوانات است که در این داستان ها دیده می شود. به همین دلیل به نظرم بن لوری بیشترین بهره را از حکایات و افسانه های عامیانه برده است. و این موضوع جای افسوس دارد؛ چون بسا توجه به این که افسانه ها و حکایات عامیانه به خواستگاه ادبیات کهن ما نزدیک تر است تا آمریکا، اما این نویسنده کاری را کرده که ما ایرانی ها باید بکنیم.

این نویسنده گفت: من بسا آقای نوری درباره این که می گوید داستان ها برای سرگرمی و لذت در لحظه هستند، مخالفم. به نظرم در همه داستان ها حرفی برای گفتن وجود دارد و آنجایی که یک معضل و مشکل بیرونی مطرح است، ناشی از یک مشکل درونی انسانی است. هیچکدام از داستان های کتاب، صرفاً سرگرم کننده نیستند و همه حرفی از جنس انسان امروز دارند.

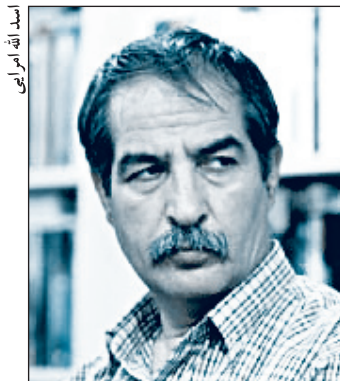
به نظرم اتفاقاً نویسنده، آمریکایی بر خورد نکرده و بیشتر به نویسنده های اروپایی و مشخصاً نویسنده های ایتالیایی نزدیک تر است. به نظرم این داستان های بن لوری شبیه به کارهای جانی روداری یا ایتالو کالیونو هستند. در کل، این داستان ها حرف و پیام دارند و سرگرمی در لحظه نیستند.

راه به مردم ما معرفی کرده است. او حتی در دستگیری از مترجمان و نویسندگانی که بیمار و ناتوان می شوند، هم فعال است. در کل اسدالله امرایی، شخصیتی چندبعدی و تأثیرگذار دارد و چون برخی از دولتمردان و مسئولان ما متوجه این مطلب نیستند که باید از این شخصیت تقدیر کنند، بر خودم واجب می دانم که در همین جمع اندک از ایشان قدردانی کنم. امرایی بیش از یک مترجم، در سه دهه اخیر، فرهنگ سازی کرده است.

وی ادامه داد: اما با آقای نوری مخالفم. چون ژانر این داستان ها، ژانر شگفت است و این داستان ها خودشان، جهان خودشان را می سازند. به نظرم بن لوری یک امکان جدید را مقابل نویسنده ها قرار می دهد؛ چون تلقی معمولی که از داستان کوتاه سراغ داریم، چند شخصیت و آدم هستند که دور هم جمع شده اند و اتفاقی برایشان می افتد. امکانی که بن لوری به خواننده داده، از طریق دست انداختن و استمداد از افسانه ها و حکایات و قصه های عامیانه، ایجاد شده است.

در ادامه، نوری در پاسخ به فرجی گفت: من انتظار ندارم که نویسنده توضیح بدهد. در یکی از داستان هایی که خودم ترجمه کردم، شخصیتی بود که از دیوار عبور می کرد اما نویسنده این اتفاق را اداره می کند. من به انتخاب نویسنده احترام می گذارم. به همین دلیل مثال انیمیشن را زدم. ذهنیت بن لوری مانند گیم و بازی های ویدئویی است. اتفاقاً به نظرم داستان های این کتاب شبیه کارهای کافکا نیستند؛ چون هم یک مسأله دارند و هم شخصیت هایش کافکایی نیستند.

من می گویم رویکرد این داستان ها چیز دیگری است. یعنی برای مخاطب آمریکایی و اروپایی که شاید از سیاست



خود آقای امرایی حرف بزنم. اگر اسدالله امرایی در یک سرزمین متمدن زندگی می کرد، تا حالا مجسمه اش را ساخته بودند ولی هنوز اینجا مجسمه ای از ایشان ساخته نشده است. چند سال پیش در مجلسی بودیم که مرحوم سبحانی هم حضور داشت. سبحانی در توصیف لیلی گلستان گفت: او یک عمله فرهنگی است. حالا من جرأت ندارم مثل ایشان از آقای امرایی تعریف کنم، ولی می گویم که ایشان خادم فرهنگ است و اصلاً نمی توانم روزی را تصور کنم که ایشان استراحت کند.

نویسنده مجموعه داستان «چوب خط» گفت: آقای امرایی بی هیچ منت و ادعا و حب و بغضی و با رعایت انصاف، نویسنده های قدیمی و جدید و جوان جهان

بقیه از صفحه اول این مترجم گفت: درست است که فرصت نیست نویسنده داستان را برای خواننده باز کند. او یک طرحی را می کشاید و سریع آن را می بندد. اصلاً یکی از دلایلی که سراغ ترجمه این کار رفتم، این بود که بگویم داستان فقط آن چیزی نیست که پیام داشته باشد.

امرایی همچنین گفت: به هر حال نمی توان به طور قطعی در این زمینه سخن گفت. وقتی آثار کارور را ترجمه می کردم، نویسندگان داخلی در مواجهه با آنها گفتند اینها دیگر چیست؟

آیا اینها داستان اند؟ اما بعد از مدتی دیدیم همه دارند مانند کارور می نویسند. در ادامه، محسن فرجی گفت: من می خواهم قبل از تقدم بر کتاب، درباره

کتاب حیرت و رنج



پیام ابراهیمی

«واقعاً زیاد حرف می‌زنیم. همه دارند حرف می‌زنند. بیشتر از نیاز. همه فکر می‌کنند چیزی گفتنی دارند. حال آن‌که حرف با ارزش شاید دو-سه بار در یک قرن پیدا شود. خود من شش‌صص پرحرفی نیستم. دلم می‌خواهد حرفم ارزش دو روز فکر کردن داشته باشد.»

آنچه خواندید بخشی از صحبت‌های ویسواوا شیمبورسکا در اولین گفتگوی تلویزیونی اش بعد از دریافت جایزه‌ی نوبل در سال ۱۹۹۶ است. شاعری لهستانی که خود را «زاده‌ی دنیا» می‌داند. بدیهی‌ست شاعری که اینچنین بر مختصر و مفید بودن کلام تأکید داشته باشد شعرهای زیادی نیز از خود بجای نگذاشته باشد. شیمبورسکا جایزه‌ی نوبل را در حالی بدست آورد که تنها نزدیک به دو‌یست شعر سروده بود و این خود تأییدیه‌ست بر آنچه از او نقل شد. «آدم‌ها روی پل» یکی از شانزده دفتر شعر شیمبورسکاست که در سال ۱۹۸۶ منتشر شد و نخستین بار در سال ۱۳۷۶ توسط مارک اسموژنسکی، شهرام شیدایی و چوکا چاد ترجمه و توسط نشر مرکز به بازار کتاب ایران



عرضه شد. شعرهای شیمبورسکا بر خلاف بسیاری از شعرای زن، کمتر رنگ و بویی از زنانگی دارند. وی در شعرهایش از جنگ می‌گوید، از سیاست، مرگ، زندگی، جامعه، احساسات بشری و حتی خود شعر. شعر گفتن برای شیمبورسکا در میان گذاشتن احساسات شخصی با آدم‌های ناشناس است، کاری که برایش بیشتر به فروختن روح شباهت دارد. خودش در گفتگویی درباره‌ی علت شعر گفتن‌اش می‌گوید: «من دارم زندگی می‌کنم. پس می‌بینم، می‌شنوم، احساس می‌کنم و شگفت‌زده می‌شوم. اگر چیزی مرا آزار بدهد، درباره‌ی آن شعر می‌نویسم. شعر گفتن یک مبارزه است.» از اینرو طبیعی‌ست که شعرهای شیمبورسکا از روزمرگی بگویند و بر اتفاقات روزانه‌ی زندگی تأکید کنند. به همین سبب است که شعر شیمبورسکا را «شعر اتفاقات روزمره» می‌نامند. اتفاقاتی که به اعتقاد شیمبورسکا یگانه هستند و تکرار نمی‌شوند: «هیچ چیز دوبار اتفاق نمی‌افتد/ و اتفاق نخواهد افتاد. به همین دلیل /ناشی بدنی آمده‌ایم/ و خام خواهیم رفت.»

اما آنچه شعر شیمبورسکا را از دیگران متمایز می‌کند، سادگی آن است؛ سادگی که در کلام و انتقال پیام‌اش وجود دارد و احتمالاً ریشه در شخصیت خود شاعر دارد. همان سادگی و خلوصی که او در پیاز می‌بیند: «پیاز چیز دیگری‌ست/ دل و روده ندارد/ تا مغز مغز پیاز است/ تا حد پیاز بودن/ پیاز بودن از بیرون/ پیاز بودن تاریشه» شاید به‌خاطر همین سادگی‌اش باشد که مخاطب شعرهایش را هم آدم‌هایی ساده و معمولی از جنس خودش می‌داند، آنهایی که «هنگامی که کتاب می‌خرند پولشان را در کیف خود می‌شمارند که بدانند چقدر برایشان باقی مانده. اما کتاب می‌خرند، چون می‌خواهند.»

از دیگر خصوصیات شعر شیمبورسکا می‌توان به دوری از کنایه اشاره کرد. او حتی در نقد انسان عصر خویش نیز از کنایه‌زنی دوری می‌کند و تعارف به خرج نمی‌دهد: «چیزی حیوانی‌تر از وجدان پاک/ در سومین سیاره‌ی خورشید وجود ندارد.» شیمبورسکا در شعرهای‌اش به دنبال دگرگونی جهان نیست.

او نیاز به تغییر را حس می‌کند، اما تنها مثل یک راوی گزارش می‌دهد. هرچند از گزارش‌اش چنین برمی‌آید که تک‌تک ما را برای یاری فرا می‌خواند: «بعد از هر جنگی/ کسی باید ریخت و پاش‌ها را جمع کند/ نظم و نظام/ خود به خود برقرار نمی‌شود.» شیمبورسکا در اول فوریه‌ی ۲۰۱۲ میلادی بر اثر سرطان ریه درگذشت.

اتفاقی که رئیس‌جمهور وقت لهستان آن‌را 'فقدان روح بزرگ' نامید.

از شیمبورسکا همچنین مجموعه شعریه به نام «عکسی از یازده سپتامبر» توسط ایونا نویسکا و علیرضا دولتشاهی ترجمه و توسط نشر بال منتشر شده است.

داستان تنهایی



محمدحسن علیپور

شاید بتوان گفت تنهایی داستان غریب و البته تراژیک زندگی بشر است. هم در گذشته و دور از زندگی مدرن و هم در نزدیک و در زندگی مدرن امروز. داستان تنهایی انسان پایانی ندارد.

هر زندگی‌ای داستان خود را از تنهایی دارد. انسان هم به تنهایی خود پناه می‌برد، وقتی که از همه می‌گریزد و هم از تنهایی می‌گریزد، وقتی که به کسی یا همه پناه می‌برد. تنهایی هم انتخاب انسان است و هم نیست و شاید به همین دلیل است که طی دو قرن اخیر فیلسوفان اگزیستانسیالیستی، وجود و تنهایی انسان را در مرکز فکر و اندیشه خود قرار داده‌اند، و شاید به همین دلیل است که در کمتر رمان یا داستانی که سر در واقعیت و یا تخیل انسانی داشته باشد، همه داستان یا فصلی از آن و یا دیالوگی و حتی جمله‌ای و یا کلمه‌ای از خواننده را با معنای تنهایی انسان درگیر نکند. گاهی با مفهوم شعری، گاهی با مفهوم فلسفی، گاهی با مفهوم دینی، گاهی با مفهوم روانشناختی و ...

واسیلی شوکشین نویسنده روس که بازیگر و کارگردان بود، در داستان کوتاه «تنهایی»، از تنهایی زن و مردی پیر که با دو دنیای متفاوت سال‌های عمر خود را در کنار هم گذرانده‌اند، این‌گونه تصویری ارائه می‌کند: «زیر سقف این خانه بزرگ آفتابی چیزهای زیادی اتفاق افتاده بود. زمانی لبریز از قهقهه شادی بچه‌ها بود و بعد شاهد پایکوبی و جشن و سرور عروسی آن‌ها؛ و وقتی هم بچه‌ها رفتند، همدم تنهایی آنها شد.» مارفازن داستان شوکشین که همه عمر به فکر پس انداز پول بوده است، در تمام عمر با ساز «بالالایکای» آنتیپ همسرش و البته مرد همین داستان سر جنگ داشت.

با این که دو شخصیت داستان در یک تصویر بیرونی از زندگی مشترک، تنها شده‌اند، اما هر کدام بر پایه نگرش‌ها و باورها و چیزهایی که در زندگی دوست دارند و یا به آن عشق می‌ورزند تجربه‌هایی از تنهایی خود دارند. مرد همیشه عاشق ساز «بالالایکای» خود بوده و هیچ‌گاه آن را از خود دور نمی‌کرد، اگر چه به خاطر حضور

مارفا و اسرار او به کار بیشتر، کمتر فرصت نواختن پیدا می‌کرده است.

شوکشین در بیان چیزی که آنتیپ پیرمرد داستان در زندگی دوست دارد و به آن عشق می‌ورزد می‌نویسد: «علاقه شدید آنتیپ، عشق عمیق و آرام او به زندگی، بالالایکایش بود. پالان‌دوز می‌توانست ساعت‌ها با سری کج به شیوه نوازندگان بالالایکا بنوازد. درست معلوم نبود که آیا ساز چیز عزیز و ارزشمندی که او مدت‌ها پیش فراموشش کرده بود به او می‌داد یا او بود که تخیلات شتاب‌زده و پیرانه سر خود را در پرده‌های آن می‌ریخت. اگر به خاطر مراقبت مارفانو بود، او می‌توانست تمام روز بنشیند و ساز بزند. در حقیقت، مارفای خواست که او روز و شب کار کند؛ چون خیلی به پول علاقه داشت و حساب ده‌شاهی را هم می‌کرد. مارفا در تمام عمر با بالالایکای آنتیپ سر جنگ داشت. حتی یک بار عصبانیت او تا آن‌جا رسید که بالالایکای مغرور را در آتش انداخت. و آنتیپ مانند شبی رنگ‌باخته شده ایستاد و سوختن آن را تماشا کرد. ساز بلافاصله مانند یک نوار نازک از پوسته درخت نوغان آتش گرفت و در هم پیچیده شد، چند بار صدایی شبیه ناله از آن برخاست و سرانجام با پاره شدن سیم‌هایش و سر دادن آخرین ناله مختصرانه مُرد ...»

در دیالوگی از داستان که ناسازگاری مارفایا نواختن پیرمرد کمتر شده و به هم نزدیک‌تر شده‌اند، پیرمرد می‌گوید: «ما می‌تونستیم زندگی خوبی داشته باشیم. من و تو! می‌تونستیم با هم رفیق باشیم. ولی تو همیشه نگران پول بودی. بهت بر نخورد...»

و مارفایا زن داستان شوکشین پاسخی می‌دهد که ناشی از نگرانی از زندگی بوده و همین هم به دور شدن از هم و تنهایی آنها افزوده است. او می‌گوید: «من نگران پول داشتن نبودم، نگران نداشتنش بودم. ننداری بود که مرا نگران می‌کرد. ما هیچ وقت آه در بساط نداشتیم.»

وضعی که ترسیمی از زندگی همراه با رنج انسان است. رنجی که انسان را از خود و آرزوهایش دور می‌کند و البته شاید هم رنجی نیست که انسان را به خود رجوع دهد و ترسیمی از معنای زندگی و عشق را برای او بیان کند.

معنایی که رنج انسان را کاهش دهد و به آرامش او اندکی کمک کند.

پاسخ آنتیپ به مارفایبانی از وجهی زندگی است که می‌تواند، اگر چه شاید، یافتن راهی باشد برای روزهایی از معناداری و یا آرامش درونی. می‌گوید: «می‌تونستیم به حد کافی داشته باشیم و این به حقیقت - نمی‌خوایم غصشو بخوریم و در باره‌اش حرف بزنیم. چه آهنگی دلت می‌خواد بشنوی مادام‌لز فرو؟!» و نقطه آغازی است

برای کم شدن فاصله و تنهایی فیزیکی بین آن دو. دو نفری که به قول آنتیپ، «من و تو زیاد در این دنیا نمی‌مونیم».

تصویری که «شوکشین» از تنهایی در این داستان ارائه می‌کند با آنچه که «لوهوسون» نویسنده چینی در داستان «یادداشت‌های یک دیوانه» در کتاب تنهایی که دکتر مجید مددی آن را گردآوری و ترجمه کرده ارائه می‌کند متفاوت است. چرا که لوهوسون با ظرافت تصویری از زندگی فردی دچار بیماری روانی را در جامعه‌ای دچار خفقان بیان می‌کند. تعبیری که در دیالوگی از داستان آمده است؛ «به برادرم بگویند که من حالت خفقان دارم». جامعه‌ای که از نظر فرد بیمار در ذهنیت اطرافیان و اذهان جامعه جایی ندارد، اگر چه از نظر فیزیکی به او نزدیک هستند. از نظر برادر بیمار، سگ چائو و چائو و مردم کوچه و بازار و دوستانی که به خانه آنها می‌آیند و دکتر «هو» که برای معالجه او آمده است و برادر بزرگتر او که شخصیت‌های مختلف داستان هستند، همه نقشه قتل او و خوردنش را در ذهن می‌پرورند. ترسیمی از تنهایی از بعد روانشناختی و سبکی خاص از زندگی که زوایای بسته و وهم‌آلود زندگی را می‌نمایاند. در حالی

که همه هستند و از دحامی از مردم در جامعه، محله و خانه خود، اما گریز از همه و پناه بردن به خود که در داستان «یادداشت‌های یک دیوانه» به نوعی بیماری و جنون تبدیل شده و انسانی را از تنهایی خود هم عبور می‌دهد! زندگی رازآلود در چنین جوامعی که پیامد تحمیل سبکی از زندگی است، در ذهنیت برادر بیمار ترسیم می‌شود. از زبان شخصیت بیمار داستان گفته می‌شود: «من با شیوه کار آن‌ها آشنایی دارم. نه مایلند آشکارا کسی را بکشند و نه جرات این کار را دارند، چون از عاقبت آن می‌ترسند. به جای آن، با هم متحد می‌شوند، همه جا دم می‌گسترند تا وادارم کنند که خودکشی کنم».

برادر آدم خوار، همسایه آدم خوار، هم محلی آدم خوار و در نهایت جامعه آدم خوار! در پس ذهنی که همه راه‌ها به روی آن بسته است و رهایی خود را از زبان نویسنده با بیان این درد عمیق اجتماعی آشکار می‌کند.

در داستان لوهوسون ریشه‌های اجتماعی ذهنیت برادر بیمار را می‌توان یافت: «با این که آدم بدی نیستم، ولی این طور به نظر می‌رسد از وقتی که احساسات آقای «کو» را با رسیدگی به حساب‌های جریحه‌دار کردم، در معرض خطر قرار گرفته‌ام. آن‌ها وقتی از دست کسی عصبانی می‌شوند انگ شرارت و بدی به او می‌زنند. درست به خاطر هم هست وقتی برادر بزرگم روش انشاء نوشتن را به من می‌آموخت، هر وقت در نوشته‌ام شخصی را تصویر می‌کردم که دارای خصایل نیکویی بود ولی با استدلال‌هایم او را بد جلوه می‌دادم، او کارم را تأیید می‌کرد و نمره خوبی پای ورق‌ام می‌گذاشت. در حالی که اگر شخصیت‌های بد را می‌بخشیدم و آنان را در کرده‌شان مقصر نشان نمی‌دادم، بر من نمی‌بخشید و با این جمله که برای «خودت خوبه» و «اصلتو نشون می‌ده» نوشته را دور می‌انداخت. بدین ترتیب چگونه می‌توانم افکار پوشیده و اسرارآمیز آن‌ها را، به خصوص وقتی که حاضرند آدم بخورند، حدس بزنم؟»

و از زبان شخصیت داستانش با بیان افسانه‌های تاریخی به گذشته باز می‌گردد و به جز رفتارهای امروزی هم نوعان، ریشه یابی تاریخی را برای شناخت وهم و ترس و فرو رفتن در خود و فرار از جامعه‌ای با ویژگی‌هایی که ارائه می‌کند و او را احاطه و در واقع محصور کرده است مورد توجه قرار می‌دهد: «من تازه فهمیده‌ام در جایی زندگی می‌کنم که در آن جا برای مدت چهار هزار سال از گوشت انسان تغذیه کرده‌اند و برادرم تازه نان‌آور و بزرگ خانه شده بود که خواهرم مرد و او بایستی قطعا از گوشت او در تهیه غذای ما استفاده کرده باشد و ما هم ندانسته آن را خورده باشیم. احتمال دارد که من هم ندانسته چند تکه از گوشت خواهرم را خورده باشیم و اکنون نوبت من است....»

چگونه مردی مانند من، پس از گذشت چهار هزار سال آدم‌خواری هنوز می‌تواند امیدوار باشد که با انسان‌های واقعی روبه‌رو شود؟ شاید هنوز کودکانی باشند که آدم نخورده‌اند؟ آن‌ها را نجات دهیم...».

می‌توان گفت یادداشت‌های یک دیوانه پرسشی است در باره فردانیت انسان و تنهایی او و البته بیان این معنا که چگونه می‌تواند دریافت درستی از تنهایی خود داشته باشد؟ و چگونه می‌تواند در جامعه‌ای که با فضای ذهنی آنها فاصله دارد، تنهایی معنایی و گونه‌ای اضطراب درونی و فکری‌اش را کم کند؟ آیا باید در فضای ذهنی آنها درآیمزد و یکی نشود یا این که راه

خود را بروی؟ جامعه‌ای با ترسیمی از گزاره‌هایی که تا چه اندازه در تنهایی انسان سهیم هستند و تا چه اندازه او را برای تنها بودن کمک خواهد کرد؟ کتاب «تنهایی» که مجموعه داستان‌هایی کوتاه از برتراند راسل، فرانتس کافکا، ولادیمیر کارولنکو، واسیلی شوکشین، فرد ارکهارت و لوهوسون است، توسط نشر پایان چاپ و منتشر شده است.

تنهایی

داستان‌هایی کوتاه از:
برتراند راسل
فرانتس کافکا
ولادیمیر کارولنکو
واسیلی شوکشین
لوهوسون
فرد ارکهارت
مترجم: مجید مددی



نشر پایان

رمان و منطق گفت‌وگویی



دکتر هادی خانیکی

بقیه از صفحه اول
در حالی که میان رمانتیک‌ها و پوزیتیویست‌ها جدالی بر سر شناخت ذهنی و عینی در گرفته بود و گروهی تنها شناخت را بویژه در عرصه علوم فرهنگی و انسانی به همدلی محول می‌کردند، او این مفاهیم را در راه جدیدی نمایان کرد و این تحولی بزرگ در حوزه علوم انسانی بود: «در حوزه فرهنگ نگاه بیرونی عامل بسیار مهمی برای فهم است.

فرهنگ تنها به چشم فرهنگی دیگر و بیگانه خود را به تمام به منصه ظهور می‌رساند... یک معنا تنها هنگامی ژرفای خود را نشان می‌دهد که در تماس و برخورد با معنایی دیگر و بیگانه قرار می‌گیرد: آنها مشغول نوعی گفت‌وگو می‌شوند که از انسداد و تک‌جنبه‌ای بودن معنایی خاص و فرهنگی خاص فرایشان می‌برد.

سؤالات نویی را برای فرهنگ بیگانه طرح می‌کنیم، سؤالاتی که برای خودش پیش نیامده بود، به دنبال پاسخی برای پرسشهای خود در آن هستی و فرهنگ بیگانه با بروز جنبه‌های نو و زوایای معنایی جدید خود به ما پاسخ می‌دهد... چنین برخورد گفت‌وگویی به ادغام یا ترکیب منتهی نمی‌شود. هر یک وحدت و تمامیت گشوده خود را حفظ می‌کند و هر دو همدیگر را غنی می‌سازند.

به این ترتیب در نظر باختین حتی مسئله شناخت مستلزم نوعی گفت‌وگوست. شناخت واقعی نه با نفی خود و همدلی رمانتیک و نه با نفی دیگری و نگاه آزمایشگاهی به دست می‌آید. شناخت از دیگری مستلزم گفت‌وگو با اوست؛ گفت‌وگویی از یک سکوی معرفتی و وجودی خاص. نمی‌توان از موضعی ناکجایی از بالا به شناخت دیگری دست یافت.

شناخت دیگری مستلزم وجود رابطه‌ای میان شناسنده و شناساست که رابطه‌ای گفت‌وگویی است. در حقیقت باختین با تکیه بر گذر دوباره انسان از «خرد شناسا» (Cognitive Reason) به «خرد گفت‌وگویی» (Dialogic Reason)، راه تازه‌ای در عرصه ادبیات عصر ما گشود.

نوشته‌های اولیه باختین که دیرتر از همه شناسایی شدند، تأملات فیلسوفانه‌ای هستند که به بررسی رابطه میان «من و دیگری» می‌پردازند.

او در مقاله بلند دوست و پنجاه صفحه‌ای «نویسنده و قهرمان در فعالیت ادبی» به بررسی رابطه نویسنده و شخصیت‌هایش در داستان می‌پردازد.

باختین در این اثر که به یقین تحت تأثیر آرای مارتین بوبر (۱۹۱۵-۱۸۷۸) است، رابطه میان نویسنده و شخصیت‌های قصه‌اش را میان دو صورت «من - تو» و «من - آن» تعریف می‌کند و بعد رمان را به عنوان «ژانر» (Genre) یا نوع گفتاری و قالبی ادبی معرفی می‌کند که در آن شکل اول ارتباط امکان بروز بیشتری دارد.

شخصیت در بیان نظریات و انجام اعمال خود نسبت به نظر یا ایدئولوژی نویسنده استقلال دارد.

نویسنده نمی‌تواند نظر خود را به قهرمان و شخصیت‌هایش تحمیل کند یا قهرمانش را «من» ثانویه و تکراری خود قرار دهد و از او به عنوان ابزاری به منظور بیان ایدئولوژی خود استفاده کند:

«اگر با دیگری ادغام شوم و به جای دو نفر بودن یکی شویم چه خیری حاصل می‌شود و ادغام دیگری با خواهد من چه نتیجه‌ای دارد؟ اگر چنین شود او چیزی بیشتر از آنچه من می‌بینم و می‌دانم نخواهد دید و نخواهد دانست؛ او فقط مشخصه‌های درونی حیات من را در خود تکرار خواهد کرد.

باشد که بیرون از من باقی بماند، در این صورت است که آنچه من در موقعیت خود نمی‌بینم و نمی‌دانم را می‌تواند ببیند و بداند و قادر خواهد بود زندگی من را غنی سازد.» به رسمیت شناختن هویت متفاوت خود و دیگری و پذیرش ارتباط بی‌واسطه و فاصله، امکان گفت‌وگو میان نویسنده و قهرمانش را به وجود می‌آورد؛ امری که به بهترین وجهی در رمان میسر است و داستایفسکی ۱ (۱۸۸۱) - توانست این ویژگی را در رمان بهروراند و به اوج بلوغ برساند.

آنچه «از به سوی فلسفه عمل» او باقی مانده است، نشان از ادامه دلمشغولی‌های انتزاعی باختین دارد...

ادامه دارد

نگاهی به مجموعه شعر «خواب‌های من هر روز صبح با دیدن تو تعبیر می‌شوند» سروده ی «مریم پالیزبان»

در نوسان بین رؤیا و واقعیت



بهاره رضایی

شده و از کنار هم قرار گرفتن شان بخشی از نوستالژی‌های شاعر و دغدغه و وابستگی‌های بومی - وطنی اش را هم به خواننده گوشزد می‌کند. نمونه ی از این فضا را در این شعر می‌توان جستجو کرد: تو برای من همچون مادر / دوستی چند ساله / به یاد مادری بی مادر / تو برای من همچون پدر / معشوق چند ساله / یک ساله / چند ماهه / به یاد پداری بی پدر / کودک‌ت را در جنگ / به امنیتی بی پدر و مادر می‌سپارند / جدای من مانم / با قطار / با کشتی / با پرواز / آب می‌برد / سال‌های عکس‌های سیاه و سفید را / هوای کشد / صدای خنده‌های ثابت مانده را / چمدانم را می‌بندند به پاهایم / تا مبادا به آشیانه بازگردم / آهسته در صدای آندوه / دور می‌شوم / از انبوه هزار پاره ی چشمانت / سال‌های من و تو سوخته اند / ما خاکستر آن سال‌ها بودیم /

ص ۶۰-۶۱

دایره ی واژگانی شعرهای این مجموعه هم بیشتر، بر آمده از فضاهایی از پیش تعیین شده در شعرهاست. در بعضی شعرها با نوعی سناریوی دکو پاژ شده، مواجه می‌شویم؛ انکار جای همه چیز از پیش مشخص شده و تصویرسازی‌های شاعرانه بدون دخل و تصرفی در چیدمان شان به مخاطب عرضه می‌شوند. گاهی این هم نشینی‌های حساب شده در فضاهایی الهام گرفته از موقعیت‌های جغرافیایی و با حضور واژگانی طبیعی دیده می‌شود؛ «اولین قطار را سوار شو / خورشید پشت برگ‌های پاییزی می‌لغزد / و همه چیز در انتظار توست. / باران خواهد بارید / و دل من / تگرگ می‌خواهد / برف می‌خواهد. / از قطار که پیاده می‌شوی / مواظب باش روی یخ‌ها سر نخوری / و من بخار منجمد شده ی صایم را / برای گونه‌های تو می‌فرستم / این اولین قطار است. / ص ۶۲، ۶۳

و به طور خلاصه و در بیان کلی می‌توان به جرات گفت که نوعی فضای زتانه یغیر مألوف

حاکم بر شعرهاست. این مجموعه اگر چه زبانی آرام و زنانه ندارد ولی از پس طغیان‌ها، عصیان‌ها و سرکشی‌های زنانه با مخاطب در تقلا است. فضاهای و همی، مایخولیایی و اغلب غریب که صدای واگویه‌های درونی شاعر را به گوش می‌رساند. صدا، لحن و آوایی که می‌خواهد مستقل و متفاوت باشد و برای استقلال بیانی اش به تمهیدهای مختلفی دست می‌زند و پیش می‌رود اما از پس پشت تمام این صداها صدای زنانه یاو از جنس «آن - دیگری» به وضوح به گوش می‌رسد؛ به این صدا گوش کنید؛ خوابگاه دخترانه‌ای ست اندام من / سال‌هاست / بالا یسرم / تخت خوابی ساخته اند / تنها برای خویشت.



کوفتی / کوفتی / شکستی / من کشیدمت / از مواهیت / از ریشیت / تا در آشپزخانه / دست بر بازویست زدم / ترک خوردی / ریختی / اتاق خواب پدر و مادر / قفل بود از پشت / همیشه می‌سوختم / تا باز شود / برادرم / در اتاق خواب با دو چرخه / می‌چرخید / دیوانه می‌شد / دو چرخه / از بازی بالشت‌ها / از خراش دست‌های گرت بر در / شعری ۵۰

بسماد بالا و پُرنوسان واژه‌های عمومی در کتاب، بخش زیادی از کلمات شعرهای این مجموعه را به خود اختصاص داده است. واژه‌هایی مانند: صبح، آسمان، پنجره، مادر، پدر، برادر، کودکی، چشم، خورشید که حضورشان بسیار چشمگیر است. واژه‌های عمومی که در این جا می‌توان از آن‌ها به واژه‌های تعیین کننده در شعرها هم نامبرد، چرا که سرنوشت و بخشی از سرشت شعرها و توازن مفهوم می‌با این نوع واژه‌ها به هم آمیخته

برسون یعنی سینمای فرانسه

فیلم‌های برسون را غالباً سرد، نجوش، بیش از حد عقلانی و هندسی خوانده‌اند. ولی اگر اثری هنری را سرد بخوانیم، کم و بیش معنی اش این است که آن را - اغلب به‌طور ناخودآگاه - با اثری که گرم است مقایسه کنیم و همه آثار هنری گرم نیستند - یا اینکه نمی‌توانند چنین باشند - و همه آدم‌ها نیز مزاج یکسانی ندارند. پنداشت‌های عموماً پذیرفته شده‌ای که در مورد انواع مزاج در هنر وجود دارد سادولوحانه است. برسون قطعاً نسبت به پاست یا فلینی سرد است (همچنان که ویوالدی نسبت به برامس و کیتون نسبت به چاپلین سرد است) اما باید زیبایی شناسی این سردی، و به عبارتی زیبایی آن را درک کرد و برسون به دلیل گستره‌ای که فراهم می‌کند، نمونه بسیار خوبی برای ترسیم این نوع زیبایی شناسی است... کوشش برسون تأکید بر ابطال ناپذیری آن چیزی است که نشان می‌دهد. هیچ چیز به شانس و اگذار نمی‌شود. از بدیل‌های دیگر یا خیال و توهم (فانتزی) خبری نیست، همه چیز محتوا و از پیش تعیین شده است. هر آن چه غیر ضروری است، هر آن چه حکایت‌وار (anecdotal) یا تزئینی است، کنار گذاشته می‌شود. برسون، برخلاف کوکونو، مایل است سرچشمه‌های دراماتیک و بصری سینما را - به جای گسترش آن - کاهش دهد...»

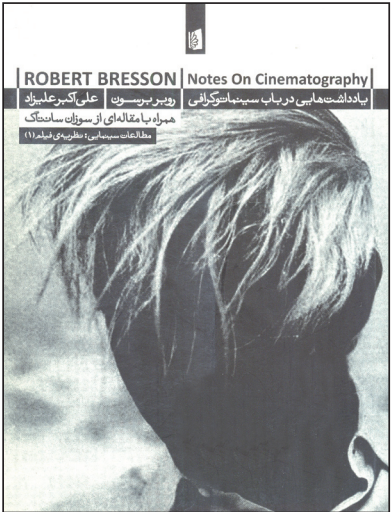
یادداشت‌های برسون

* در تلفیق حقیقت و دروغ، حقیقت دروغ را آشکار می‌کند و دروغ مانع باور کردن حقیقت می‌شود. بازیگر بر عرشه یک کشتی واقعی که بر اثر توانی واقعی درهم شکسته شده است، وانمود می‌کند که از کشتی شکستگی می‌ترسد - ما نه بازیگر را باور می‌کنیم، نه کشتی، نه توفان را

* صدا هرگز نباید به کمک تصویر بیاید، تصویر هم نباید به کمک صدا بیاید

* رنگ به تصاویر تو نیرو می‌بخشد. رنگ ابزاری است برای این که واقعیت را حقیقی نشان دهی. ولی اگر این واقعیت کاملاً واقعی نباشد، بر عدم احتمال خویش (عدم هستی اش) تأکید می‌کند.

روبر برسون (۱۹۰۱-۱۹۹۹) کارگردان برجسته فرانسوی است که با ساخت سیزده فیلم همچون: جیب‌بر، شاید شیطان، پول و... جایگاه والایی را در سینمای جهان به خود اختصاص داده است. ژان لوک گدار، فیلمساز مشهور فرانسوی، شاید بهتر از هر کس و با اشاره‌ای دقیق اثر گذاری برسون را در یک جمله خلاصه کرده باشد: «برسون یعنی سینمای فرانسه، همچنان که داستایفسکی یعنی ادبیات روسیه و موتسارت یعنی موسیقی آلمان» در کتاب «یادداشت‌هایی در باب سینماتوگرافی» که توسط نشر بیدگل منتشر شده با برخی از اندیشه‌های برسون آشنا شده و در پایان کتاب هم مقاله‌ای از سوزان سانتاگ با نام «سبک معنوی در فیلم‌های روبر برسون» آمده که بسیار خواندنی است. سانتاگ می‌نویسد: «دلیل این که برسون ارجی بر حسب شایستگی‌هایش نیافته است، به سستی برمی‌گردد که هنر وی بدان تعلقی دارد - سنت هنر اندیشه ورز یا فکوران که خوب درک نشده است. به خصوص در انگلیس و آمریکا



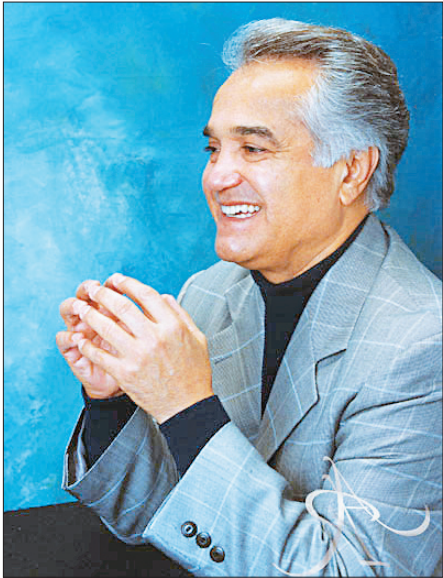
شارل: اگر زندگی‌ام را از دست بدهم معنی اش این است که این چیزها را از دست می‌دهم (تکه‌ای روزنامه درمی‌آورد و آن را می‌خواند) تنظیم خانواده، تور مسافرتی، فرهنگی، ورزشی، زبانشناختی؛ کتابخانه مرد فرهیخته؛ همه نوع ورزش؛ چگونه بچه دار شوی؛ رابطه معلمین و والدین؛ آموزش؛ رفتن به مدرسه؛ از تولد تا هفت سالگی؛ آمادگی برای ازدواج؛ نظام وظیفه؛ اروپا؛ تزئینات؛ زن؛ مرد موفق؛ مزایای فوق العاده برای زمان بازنشستگی؛ نرخ‌های محلی؛ خرید اقساطی؛ اجاره رادیو و تلویزیون؛ کارت‌های اعتباری؛ تعمیرات خانه؛ دستمزد معین. (کاغذ را مچاله می‌کند و آن را با نفرت داخل آتش می‌اندازد) روانکاو: فقدان میل و اشتیاق اغلب با افسردگی شدید همراه است.

شارل: من افسرده نیستم. فقط می‌خواهم با خودم صادق باشم... نه این که آرزوهای حقیقی را با آرزوهای کاذبی که آمارها تعیین می‌کنند عوض کنم. روانکاو: یعنی چیزهایی که مانع رشد روانشناختی تو می‌شود و علت نفرت و میل توبه مردن را توضیح می‌دهد.

شارل: ولی من نمی‌خواهم بمیرم! روانکار: چرا، می‌خواهی!

شارل: من از زندگی متنفرم. ولی از مرگ هم متنفرم. به نظرم وحشتناک است... اگر هم خودکشی کنم، فکر نمی‌کنم کسی مرا به خاطر عدم فهم چیزهای غیرقابل فهم سرزنش کند.

دلالت اخلاقی موسیقی



بقیه از صفحه اول

هنرمندی با اخلاق مانند عالم بی عمل است. هنر و اخلاق نشأت گرفته از رابطه انسان و هستی اوست؛ پس ارتباط بین هنر و اخلاق و تعامل بین آنها غیر قابل انکار است. بنا بر عقیده هایدگر، اخلاق وقتی می تواند جلوه کند که رابطه انسان با هستی او معنا یابد و هنر نیز به تبع رابطه انسان و هستی اش است.

این مسأله به خوبی در موسیقی نیز مصداق می یابد. هنرمندان

بزرگی که -شاید- نام شریفشان بیشتر به دلیل حسن خلق و اخلاق مداری آنان به یادها سپرده شده تا آثار هنری ارزنده شان؛ و تاریخ موسیقی، خود به خوبی گویای این حقیقت است. هنرمندانی که چه در پندار و گفتار و کردار خود و چه در سلوک و رفتار و خط مشی زندگی شان، اخلاق را در رأس همه امور دانسته و تربیت اخلاقی را چه در خلق آثار هنری و چه در تربیت هنر جوان، مدنظر خویش قرار داده اند.

شادروان استاد علی نقی وزیری در مقدمه کتاب «دستور ویلن» در خصوص مقوله «اخلاق در صنعت» نوشته است:

«همین که صنعت گر زیبایی و نیکی را یکی دانست، معلوم می شود به سر منزل مقصود رسیده و موقع آن است که خود مربی دیگران باشد. باید پیوسته منظور تربیت اخلاقی را مدنظر داشته و اساس عمل خود را روی این منظور ریخته، توسعه دهد. ژان ژاک روسو هیچ دلیلی برای خوبی کتاب نمی خواست مگر بهبودی که پس از خواندن آن در شخصی پیدا می شود - این دلیل در موسیقی که تأثیرش سریع تر و مستقیم تر است، کاملاً صدق می نماید. در صنعت، تنها تجسس زیبایی کافی مقصود نیست، باید این اهتمام به منظور ارتقاء اخلاقی بشر توأم باشد و فقط در این صورت است که مصنوع برای همیشه باقی و جاوید می ماند و چون از مصنوع پی به صانع می توان برد و روح و تربیت هر صنعتگر از طرز کارش پیداست، می توان این طور نتیجه گرفت که چراغ نیکی و اخلاق، باید اول جسم و روح صانع را روشن نماید، تا در مصنوعش منعکس گردد.»

هنرمند ارزنده و گرنامه‌ی، استاد انوشیروان روحانی، به حقیقت مصداق بارز نویسنده های فوق است. اخلاق شخصی و اجتماعی ایشان از هر گونه صفات ناپسند اخلاقی به دور بوده و بالعکس سجایای اخلاقی را در بهترین و بالاترین درجه، همراه با

برایش می گویم این منت بر سر فرهنگ گذاشتن ها فقط مربوط به سخنرانی برخی مسئولین است و کاربرد اجرایی ندارد و نباید جدی شان گرفت، اما او... چه کنیم با او و با افتادن مسئولین از آن سوی بام؟!

قیدار، خواندن دارد

حالا که حرف از نوشتن و نویسندگی شد، خوب است از یک رمان خیلی خوب هم سخن بگوییم: «قیدار»؛ با قلم شیوای نویسنده مشهور کشورمان «رضا امیرخانی» که این روزها و خیلی روزهای قبل در میان کتابخوانان حرفه ای جای خودش را باز کرده و برای خودش برو بیایی دارد. قیدار، داستان یکی از ارزش های رنگ باخته جامعه فعلی ماست؛ عیاری و لوطی مسلکی! داستان آن قدر کشش دارد که وقتی کتاب را به دست می گیری، دلت نمی آید آن را زمین بگذاری. فقط کافی است کلمه قیدار را در اینترنت سرچ کنی و ببینی چقدر طرفدار دارد. ان شاء الله که مسئول بازرگانی روزنامه، فاکتور دریافت هزینه را برای ما صادر نمی کند؛ چون که از این کتاب گفته ایم!

جشنواره تابستانی کیش و یک نقص بزرگ

این روزها جزیره زیبای کیش، یکی دیگر از جشنواره های تابستانی خود را تجربه می کند. برای آنهایی که زندگی را در این جزیره آرام و دوست داشتنی تجربه کرده اند؛ کیش یک رؤیا به حساب می آید و لذا جشنواره تابستانی فرصتی است برای تفریح و تجربه یک سفر عالی. اما همین کیش و همین جشنواره تابستانی می تواند تحولی



چندر زاهدان

گوهر لیخند و خوشرویی، در خود حفظ و منعکس ساخته است. یکی از دلایل مانایی آثار هنری ایشان نیز بی تردید همین مسأله بوده است. با تحلیل و واکاوی آثار ارزنده انوشیروان روحانی، پرهیز از ابتذال و توجه به اصالت هنری و تأکید بر هویت ایرانی، به خوبی مشهود است.

در اینجا بحث دلالت اخلاقی موسیقی مطرح می شود. یک اثر موسیقایی فاخر وقتی با حیات انسان پیوند خواهد یافت که اخلاق (با تمام گستردگی معنایی اش) در آن جریان داشته باشد؛ پس تأمل در ابعاد اخلاقی - هنری آثار ارزنده استاد انوشیروان روحانی و تعمق در بُعد زیبایی شناختی حیات اخلاقی در آثار فاخر ایشان، مسأله ای است که باید کارشناسانه و مفصل بدان پرداخت ولی تا همین حد باید اذعان داشت که: «انوشیروان روحانی، جدای از یک هنرمند، یک معلم اخلاق است.»

حال، مسأله این بیان، تا به چه حد اخلاق مدار بوده ایم؟! متولیان و مسئولان هنری کشور در طی این چند دهه، خواسته، یا ناخواسته مرتکب بی اعتنایی به هنر موسیقی و ارباب آن شده اند، که البته شاید اکنون تا حدی دیر شده باشد، ولی به هر صورت، باز هم فرصت باقی است. امید است در روزهای پسین، شاهد اتفاقات بزرگ در ساخت مقدس هنر موسیقی باشیم و کم لطفی ها و بد اخلاقی های گذشته، جای خود را به نگاه ها و تصمیمات عاری از تعصب و اخلاق مداری سپارند که تاریخ، خود، بهترین ناظر و داور در برابر اعمال ماست.

دروود بر انوشیروان روحانی و هنرمندانی که شرافت اخلاقی را بیش از هر چیز، سرلوحه زندگی و هنر خویش قرار دادند و با اخلاق مداری و ساخت آثار هنری فاخر و تربیت هنر جوان صالح، درس اخلاق را در مکتب هنر و موسیقی بنیان نهادند. بی شک این بزرگان بیش از آن که هنرمند باشند، استادان اخلاق هستند.



نشریات و سایت های زرد، گوی سبقت را از بقیه ربودند. قضایای خانه سینما این بسته و باز شدن خانه سینما هم یکی از آن ماجراهای کشدار جامعه هنری ماست، اگر ما وزیر ارشاد بودیم اجازه نمی دادیم کار به این جا بکشید، خدایا می رزد مرحوم نودری را که در مسابقه هفته تأکید می کرد: سیزده ساله ها نیایند.

وقتی کار بی حساب و کتاب باشد یک بار و با یک عالمه سر و صدا خانه سینما را می بندیم و بار دیگر با همان مقدار سر و صدا تلاش می کنیم خانه سینما را باز کنیم. یک بار ما به وزیر ارشاد گفتیم... (بی خیال... این محرملی خان سانسورچی روزنامه فکر می کند ما می خواهیم پز حرف زدن مان با وزیر را بدیم و لذا قلم سانسور را می کشد روی این تکه مطلب و چون این کاره نیست بقیه مطلب را هم ضایع می کند)... می فرودیم خدمتان؛ وقتی آدم برنامه داشته باشد طوری عمل می کند که یک خانه سینما این همه جنجال برانگیز نشود.

خدایا می رز نودری تأکید می کرد؛ سیزده ساله ها به مسابقه هفته نیایند، اما چه سود... سینما پر شده از سیزده ساله ها مخصوصاً در عرصه نوشتن و نقادی، دور و بر خود را نگاه کن ببین چقدر زباندند... هر کسی با والد اش قهر می کند می آید به خط سینما. لاجرم بکوه چند سیزده ساله هم پیدا می شوند و خانه سینما را می بندند!



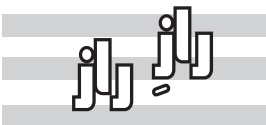
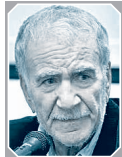
معاویه، حاضر و ناظر بود - وقتی معاویه خواست تا عبدالله پسر عمر و عاص را به حکومت کوفه بگمارد، احساس خطر کرد و از باب مثلاً خبر خواهی گفت: «ای معاویه! پسر را به حکومت بصره و پسر را به حکومت کوفه می گماری و خویشان را میان دو فک شیر خشمگین قرار می دهی؟!»

معاویه از این سخن ترسید و صلاح دید که مغیره کماکان حاکم کوفه باقی بماند. چندی بعد عمر و عاص از توطئه مغیره مطلع شد و برای آن که خدعه و نیرنگ او را بی جواب نگذارد، به معاویه تفهیم کرد که مغیره اموال بیت المال را حیف و میل می کند و مصلحت این است که دیگری خزانه دار اموال کوفه شود و مغیره فقط - به کار عبادت و اجرای احکام شرعی بپردازد. معاویه توصیه عمر و عاص را به کار بست. دیری نگذشت که بین مغیره بن شعبه و عمر و عاص ملاقاتی رخ داد. در آن دیدار عمر و عاص برای تضعیف روحیه مغیره، نیشخند زد و گفت: «ای مغیره! این به آن در!» یعنی سخن چینی در برابر سخن چینی و توطئه در مقابل توطئه. این مثل بعدها وارد زبان فارسی شد و تاکنون به زندگی خود ادامه داده است و کارکرد زیادی هم دارد.

بخش بیست و پنجم

گفتگو

تفسیر دکتر دینانی از «گلشن راز»



گفتگو از: کریم فیضی

عارف و معروف

شیخ محمود شبستری از نظر عرفانی می گوید که عارف و معروف یک چیز هستند. به فلسفه که بیایم، در ساخت فلسفه هم عارف و معروف اتحاد دارند و ملاصدرا از اتحاد عالم و معلوم سخن گفته است. عالم و معلوم از نظر فلسفی وحدت دارند و یک چیزند. همه آنچه شما می دانید، با شما وحدت دارد و شما با دانسته هایت وحدت دارید و یکی هستید! شما می توانید به من اشکال کنید که: نه این بادانسته هایت وحدت ندارم. می توانید اشاره کنید که من این درخت را می دانم ولی با آن یکی نیستم.

❖ در واقع، هر انسانی می تواند این اشکال را بکند و بگوید که: من انسانم، نه درخت!

❖ کسی نمی گوید انسان درخت است. انسان با دانسته خودش متحد است، نه با شجر و حجر!

❖ در واقع با فهم درخت اتحاد داریم...

❖ اساساً درخت برای شما، فهم درخت است، اگر شما درخت را فهم نمی کردید، آیا درخت برای شما درخت بود و مطرح بود؟ درخت برای شما، فهم شما و درخت است و شما با فهم خودتان اتحاد دارید. انسان با درخت فهمیده شده اش یکی است و یگانگی دارد. آقای فیضی با آن چیزی که می داند، اتحاد دارد و با فهمش از درخت یکی است. درخت برای ما معلوم بالعرض است. معلوم با لذات برای ما چیست؟

❖ در مثال درخت و فهم درخت، معلوم با لذات، فهم ما از درخت معلوم با لذات است.

❖ پس درخت بیرونی، معلوم بالعرض است که می توانند آن را ببرند و از بین هم ببرند ولی فهم شما از درخت معلوم بالذات است که قابل از بین بردن نیست. این همان اتحاد عالم و معلوم است که همانگونه که می دانید یک قاعده عقلانی است. اتحاد عاقل و معقول در فلسفه ابن سینا و ملاصدرا به اثبات رسیده است. شیخ محمود شبستری با استناد به همین قاعده، از وحدت عارف و معروف در نزد عرفا صحبت می کند. حرف او این است که ولی چون به خودش علم دارد و این علم، حضوری است نه حصولی، عارف و معروف برایش یکی است.

❖ سخن شما می تواند درست باشد ولی حرف شبستری، حداقل در این بیت، این نیست که عارف و معروف وحدت دارند. او می گوید که ولی از عارف و معروف حرف می زند. شاهد این موضوع و اینکه مقصود شبستری آن چیزی نیست که شما بیان می کنید، چند بیت بعدی منظومه است که از سافل و عالی سخن می گوید و مراتب را پیش می کشد:

یکی از بحر وحدت گفت انا الحق

یکی از قرب و بُعد و سیر زورق

یکی را علم ظاهر بود حاصل

نشانی داد از خشکی ساحل

یکی گوهر بر آورد و صدف شد

یکی بگذاشت در، زن، صدف شد

❖ این ابیات، منافاتی با تفسیر من و حرفی که زدم، ندارد. شبستری در اینجا از مراتب سخن می گوید و مراتب غیر از اتحاد عارف و معروف است. ما می گویم: عارف و معروف یکی است. شبستری از مراتب معرفت حرف می زند.

❖ بنده هم همین را عرض کردم که: حرف شما، غیر از حرف شیخ محمود شبستری است.

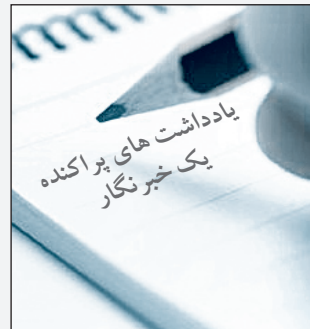
❖ ما قبلاً مراتب معرفت را بحث کردیم و پذیرفتیم که معرفت مراتب دارد. خود شما هم اشاره کردی که ولایت مراتب دارد. کسی که انا الحق می گوید، عارف و معروف برایش یکی است. نمی گوید که من خدا هستم، چون این کفر است بلکه می گوید: بین من و خدا فاصله ای وجود ندارد. پس کسی که می گوید: انا الحق، از مقام خودش حرف می زند و خبر می دهد ولی کسی دیگر که به این مقام نرسیده از قرب و بعد صحبت می کند و اینکه چقدر مانده و چقدر نمانده است. در هر دو صورت، این اتحاد عاقل و معقول و عارف و معروف و عالم و معلوم وجود دارد، با این تفاوت که علم مراتب دارد.

❖ شاید بتوانیم بگوییم که این چند بیت حرفی می زند و بیت قبلی هم حرفی دیگر دارد.

❖ به نظر من، ابیاتی که خواندید، تفسیر بیت قبلی است با تفصیل بیشتر، تا کم کم مراتب علم را می رساند تا ساخت شریعت: یکی از حق حرف می زند و چون از خودی و تعین خودی خارج شده است، نمی بیند مگر حق، دیگری از دوری و نزدیکی حرف می زند و شخصی دیگر از ظاهر حرف می زند و می گوید که دریا، خیس است و ساحل، خشک! افرق است بین این مراتب.

❖ کسی که می گوید: ساحل خشک است، حرف بی ربطی نمی زند ولی حرفش مهم هم نیست و به شدت عادی است.

❖ اساساً در ساحل، بحث سیر و سلوک مطرح نیست و برخلاف دریا، خطر غرق شدن و فرو رفتن در دریا در آن مطرح نمی شود. راحتی است و آسانی و اینکه می توان رفت در گوشه ای نشست و خوش بود. ادامه دارد



پیدا کنید پر تقال فروش را!

این رفیق نویسنده ما زده به سیم آخر و الا و بلا می خواهد سابقه دو دهه نویسندگی و حدود یازده فقره کتاب را بگذارد کنار و با یک متر و پنجاه و هشت سانت قد و نود و شش کیلو وزن و دور شکم یک متری - چیزی شبیه خمره های ترشی قدیمی - تصمیم دارد برود و الیابلیست بشود. هر چه هم که ما و دوستان اهل قلم نصیحتش می کنیم، به خرچش نمی رود که نمی رود. دلایلش هم این است که بعد از یک عمر نوشتن و فسفر مغز سوزاندن، هنوز خانه ندارم و مستأجر هستم؛ اما این و الیابلیست ها برای حضور در لیگ جهانی، هم با هوایمای اختصاصی دور دنیا را می گردند و هم پنجاه میلیون پول نقد و یک دستگاه آپارتمان گرفته اند.

از ماصا اصرار است که آنها بیرق ایران را در دریا بلند کرده اند و کارشان ارزشمند است؛ از او هم انکار که نخیر... فرهنگ اصل است و بقیه چیزها باید بر پایه فرهنگ باشد.

الفاظ حکم فراموشی

این مثل حاکی از زورمداری، بی منطقی، باج خواهی و بی قانونی عده خاصی است که در دوره های مختلف زندگی دیده می شوند.

ریشه این مثل را دوره ناصرالدین شاه و به هنگامی می دانند که با حکم «کامران میرزا» نایب السلطنه - محمد ابراهیم خان معمار باشی، ملقب به وزیر نظام، برای مدتی حکمران تهران شد.

روزی شخصی به او مراجعه کرد و گفت: «خانم را به کسی سپردم و خود برای زیارت به مشهد رفتم؛ حال که برگشتم، آن شخص به خانه ارم نمی دهد و حرفش این است که مترصم و تصرف، قاطع ترین دلیل مالکیت است. هر کس ادعایی دارد برود و شکایت کند.

وزیر نظام، متصرف را احضار کرد و گفت: «اسناد و مدارک مالکیت خانه را نشانم بده!» متصرف گفت: «اسناد و مدارک لازم نیست. خانه در تصرف من است. بنابراین، من مالک آنم!» حاکم پرسید: «بگو ببینم چگونه آن را تصرف کردی؟» متصرف با پُرویی گفت: «از... آسمان افتادم توی خانه و متصرف شدم. از متصرف که مدرک نمی خواهند!» وزیر نظام او را به شلاق بست و آنقدر زد که بیهوش شد. وقتی به هوش آمد، به او گفت:



در زندگی روزانه، گاهی اتفاق می افتد که کسی به کسی آسیب مادی یا حیثیتی کوچک یا بزرگ - عمدی یا سهوی - وارد می کند. ظرف آسیب دیده سعی می کند در اولین فرصت جبران مافات کند. در این وقت می گویند: «این به آن در!» در تاریخ، یکی از بزرگان عرب در تیز هوشی، حيله و خبانت، مغیره بن شعبه است. او که بسیار زیرک و مادی مسلک و حاکم کوفه بود - در زمان انعقاد پیمان صلح میان امام حسن مجتبی (ع) و

شاعری با پنج کتاب شعر



«سریا داودی حموله»

شاعر جوان ساکن شاهین شهر اصفهان، اما زادهٔ مسجدسلیمان است. وی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی است و افزون بر شعر، در نقد نیز قلم می زند و انتشار دانشنامه فرهنگ بختیاری را در دست انتشار دارد.

داودی تاکنون ۵ مجموعه شعر را منتشر کرده که عبارتند از: «اوفلیا تو نیستی با گیسوانم حرف می زنم» (سال ۸۲)، «آسمان حرفی از گیسوان لی لی بود» (سال ۸۴)، «از عصای شکسته نیچه تا عصر میچاله لورکا» (سال ۹۱)، «نان و نمک میان گیسوان تهمینه» (سال ۹۲) و «من ما بودم با دو فاعل اضافی» (سال ۹۲).

رفورم

کشم به پای بادهای بخورد

به پیامبری

مبعوث می شوم

شاید نیمهٔ کسی باشم

که با یک کاما

جلو نیل را گرفت!

مجوز نشر

دیگر نمی توانم

در پیراهن تو سکوت کنم

نامم را به زنی خواهم سپرد

تا تب به جان علف ها بسوزاند

به اندازهٔ شعری کوتاه

دوستم بدار

عشق هنوز مجوز نشر نگرفته است!

نام ها

هرچه می گردم

بیشتر گمت می کنم

مرا به آینه ای نشان بده

من زیبا ترین دختر قبیله بودم

حرفی به آفتاب بخشیدم

تا وقتی کودکان از خواب بیدار می شوند

همهٔ نام های تو را

بخش کنند!

پاد

در ابتدای زمین

پر شدیم

از صداهای گمشده

ما ادامهٔ قمریانی بودیم

که نمی دانستیم

باد موصوف همهٔ صفت هاست!

پرواز

دست های ما

برای پیراهن بادهای کوتاه است

مگر این رودهای کهن در کجا می میرند؟

ای کاش

حرفی از آسمان تو بر می داشتم

پرواز

در کبوتر خانه ها از دنیا رفت!

مرگ

از درهای بسته حرف زدیم و

دهان های باز

هیچ فکر نمی کردیم

مرگ

نام کوچک ما را صدا زند!

آسمان جنوب

از نام های بسیار تو

یکی یادم نمانده

تا به ماه بگویم.

پیراهنم به سردسیر

دلم به گرمسیر

آینه ای پشت سر ندارم

کمی از آسمان جنوب برایم بفرست!

یک

سال ۹۲ از جهات مختلف برای کشور عزیزمان آغاز خوشی داشته است. در حوزه هایی مثل سیاست ، ورزش و حتی ادبیات شعری. به گونه ای که چه به لحاظ کمی و چه کیفی با حضور ناشران جدید خصوصی، مجال برای ظهور مستعدان فراهم تر شده و تقریباً خون جدیدی به شعر امروز تزریق شده است. به طوری که فقط در حوزه کتاب اولی ها شاهد اتفاق های شگفت انگیزی بودیم. می گویم تقریباً چون مشکلاتی مثل اخذ مجوز در مراحل ارشاد هنوز گریبان گیر شاعران و ناشران بود به طوری که در عموم آثار منتشر شده با انبوه جای خالی مابین سطرها یا سه نقطه مواجه بودیم. و مثلاً از سطر « باد در آغوش دشت غلط می خورد» کلمه «آغوش» را حذف می کنند. اتفاقی که احتمالاً حاصل مذكر فرض کردن باد و مونث فرض کردن دشت محسوب می شود. مسئله ای که اگر در دوره شعر قدمایی ما وجود داشت احتمالاً نیمی از آن آثار هم به دست مخاطبین امروز نمی رسید.

یا کیفیت نازل چاپ بعضی کتاب ها در نوع استفاده از کاغذ، اشتباهات فاحش در صفحه بندی یا غلط های چاپی که در عموم کارها شاهد آن بودیم. به طوری که احساس می کردیم آنها به بخشی از بافت کتاب های حاضر در نمایشگاه کتاب تبدیل شده اند. مسئله ای که نتیجه غیبت نمونه خوان و در مراحل حرفه ای تر ادیتور محسوب می شود. ایراداتی که به دلایل مختلفی مثل نوبت بودن نشرها می توان از آنها چشم پوشی کرد.

یکی از همین آثار که در نمایشگاه کتاب حضور داشت و از کیفیت قابل قبولی هم برخوردار بود «تقویم تماشای تو، سروده عباس کریمی است. کتابی که چه در حوزه معنا و چه ساخت، «مربوط» است. قدما می گفتند شعر نباید «نامربوط» باشد. شعر «کریمی» از این جهات «مربوط» است. شعری که بتوان به دیگران نشان داد و درباره اش صحبت کرد، بی آنکه شرمندگی در پی داشته باشد؛ که یاد آور آن روایت مشهور است که می گوید: «می توان جلوی مهمانش گذاشت» یا «می شود به مهمان نشانش داد». کتابی که در همان تورق اول قدرت این را دارد تا بیت هایی را به عنوان نمونه های موفق در ذهن مخاطب جاسازی کند. بخوانید:

«تنهایی بسیار من و لطف کم تو / در خاطره پیرهنم عطر بغل نیست» (ص ۱۲)
«همین که پای دل از مرز عشق رد می شد / لفاف شیشه ای قلب من ترک می خورد» (ص ۸)
«نه طاق سنگی کسرا فقط ترک می خورد / که از عبور تو دیوار چین ترک می خورد» (ص ۹)
« نه این که خسته غمم ولی به این غزل قسم / تجرد کلام من نمی رسد به وحدتی» (ص ۴۸)
و

موفقتی که حاصل کنشمنند عمل کردن مصرع ها محسوب می شود و در جهت تکامل یکدیگر حرکت کردن، برای رسیدن به بیتی که قافیه در آن نقش بسیار تعیین

نقد و بررسی مجموعه غزل «تقویم تماشای تو»، سروده عباس کریمی

قافیه تیر خلاص را می زند

کننده ای را بازی می کند و به نوعی تمام کننده است. و انگار همان نقشی را در پایان بیت دارد که تیر خلاص زن، وقتی در میان جمعیت کشته شده حرکت می کند.

شاید به همین دلیل است که قدما آنقدر برای قافیه ارزش قائل بوده اند. و البته غزل بیت مجور می گویم، شاید چون تکه کلام قضیه است و گر نه حتماً بهتر است.. چرا که هر بیتی جدا از ساختار عمودی در افق می تواند به مثابه شعری کوتاه عمل کند. اگر به این اتفاق، همگام با روایت در عمود هم همراه بشود که چه بهتر؛ چرا که باعث می شود کار از حیات های دو گانه ای بر خوردار باشد و مخاطب یک بار غزل را برای بیت ها بخواند یک برای روایتی که در طول بیت ها شکل می گیرد.

غزل کریمی در این کتاب عموماً غزلی است بیت محور و روایت عمودی در آن غایب است. می گویم «عموماً»؛ چرا که تک اتفاقی هایی مثل غزل صفحه آخر کتاب (آن هم نه به صورت مشهود)، نمودهایی از این نوع اتفاق دیده می شود. غزلی که برای قیصر امین پور سروده شده است و به نظر ما توجه به کارهای دیگری که با این موضوع شنیده ام، در نقطه خوبی قرار دارد.

غزل کریمی البته عاری از ایراد نیست. نکاتی مثل ترکیبات ذهنی که جدا از ذهنی بودن شعر را به لحاظ زبانی از استقلال هم خارج می کند. مسئله ای که با وفور آن در شعر گذشته مخصوصاً در دهه سی تا شصت با آن مواجه بوده ایم. و شاید ماندگار ترین نمونه اش در ذهن مخاطب، آثار سپهری باشد. ترکیباتی مثل (بر که آرام اندوهم، کوچه های یاد، جاده های بی سوار، پلک خاطرم و ...) که باعث می شود غزل کتاب «تقویم تماشای تو» در مواردی از زبان مستقل فاصله بگیرد و در مناظری با زبانی نیمه مستقل، خودش را به ما معرفی کند. اتفاقی که طبیعتاً به مرور از زبان به لحن، مضمون و فضای کارها هم سرایت پیدا می کند. بخوانید:

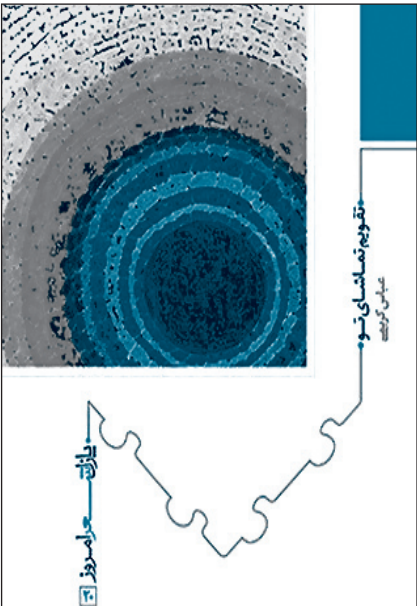
«در انتظار دیدنت تمام من نگاه شد / تن سپید کاغذم غزلشبی سیاه شد» یا «نمانده ام دوباره تنگ دل ولی قسم به شب / که کوچه های یاد تو همیشه زار آه شد»
مسئله ای که شاید بهترین نمودش در مطلع غزل سی و چهار کتاب باشد. آنجا که شاعر می گوید:

« امان از التهاب شب امان از این همه تنگی / امان از جاده های بی سوار و زخم پا لنگی»

که مسلماً قافیه «تنگی» به معنای به تنگ آمدنی استفاده شده است که در شعر و زبان گذشتگان نه چندان دور ما وجود داشته است. اما به دلیل پوست اندازی زبان و شعر و همگام نبودن اصطلاحات کار با عصری که شاعر در آن زیست می کند و از دست رفتن یک دستی کلام در محور هم نشینی کلمات کار دچار کژتابی زبانی می شود. یا ضعف تألیفی که در مصرع « ای کاش می چکیدم از خنده های خیسست» اتفاق می افتد. چرا که ما با توجه به وجود ما به ازای بیرونی اشک در ترکیب «گریه های خیس» می توانیم به معنای کار پی ببریم اما به دلیل غیبت این ما به ازا، کار از در قسمت معنا پذیری دچار مشکل



آرژان نظری



می شود. مگر آنکه آن خنده ها را با ریزش آب دهن فرض کنیم که مسلماً تصویر جالبی نیست و مطمئناً مدنظر شاعر هم نبوده است.

نمی خواهم خیلی در این نوع اتفاقات دقیق شوم. چرا که بسامدشان در مقابل آثار موفق کتاب ناچیز است و من شخصاً در جایگاه یک منتقد برای لذتی که از یک اثر هنری می برم و نمره نهایی کار، ارزش زیادی قائلم و به نظر مجموعه «تقویم تماشای تو»، ما بین مجموعه غزل های منتشر شده طی سال های اخیر، در نقطه قابل قبولی ایستاده است.

اگر کریمی در کتاب بعدی اش با رفع مشکلات ذکر شده برای رسیدن به زبانی مستقل در قدمی جلوتر به متنی برسد که معرف شاعرش است تا امضایی که پای کار قرار دارد؛ می تواند در این حوزه حرف های زیادی برای گفتن داشته باشد. و گر نه در نمونه های تکان دهنده تر، این ایرادات متنی می بینیم که مثلاً شاعری در غزلی از کبابش، «گل» را با «هول» قافیه می کند و به همین سادگی دچار خطای قافیه می شود. یا شاعری دیگر در کتابی که هفتمین کتاب او نیز محسوب می شود، شعرش در یک مصرع، همزمان هم دچار ضعف تألیف می شود، هم سکنه وزنی. آنجا که می نویسد: «در آملی تاتر چنان پر شد از خطوط صدا / که خط خطی شده اند این جماعت ساده»

اتفاقی که به کلمه «تاتر» بر می گردد که همگی می دانیم منظور شاعر همان «تئاتر» بوده است. وزن و قافیه ای که جزو سواد اکابری قوالب کلاسیک محسوب می شوند؛ اما خب متأسفانه همهٔ اینها گفته شد تا کریمی بداند که بالا رفتن بسامد این نوع اتفاقات، به راحتی می تواند قربت را به غربت نزد مخاطب بدل کند.

کسی که پرسه می زند

اصغر عالی زاده

خدا نکرده

اگر کوک های یک در میان خیابانی

وصله به هیچ خانه ام نکنند چه

زبانم لال

اگر باران زبان خیابان را بند آورده باشد

چه بگویم

(کسی که پرسه می زند

همیشه دلتننگ جایی برای برگشتن است)

اگر قرار به برگشتن شد

برایم خیابان بفرست

و به هوا بگو سرد باشد

که باور کنیم

پرندهٔ یخ زده بر سیم های گفتگو

فقط گرم خواب های خوب است

عادل سالم

گل معاصر من، ای زن اساطیری

که از همیشه ای و تا ابد نمی میری

که چشم های تو جادوی کاخ تاج محل

که در تو جاذبهٔ دختران کشمیری

تو در هرات و بخارا و بلخ، زاده شدی

تو روح منتشری، جذبهٔ فراگیری

تو بُعد چندمی، ای زن که می روی هر بار

و باز در بدنی تازه شکل می گیری

تو ناگهان تراز آنی که فکر می کردم

چه اتفاق عزیزی، چه حسن تقدیری

بهار، پنجره، باران، سکوت، دلتنگی

تو عاشقانه ترین شکل این تعابیری

و چشم های تو عشق اندو بودنت خورشید

گل معاصر من، ای زن اساطیری!

زن اساطیری

حدیث خنجر

فرشاد فرصت صفائی

به روی بام تو دیگر، کبوتر جان نمی گیرد

و حتی یک پر پرواز دیگر جان نمی گیرد

برای این قلم، آن قدر از زخم دلم گفتم

که در دفتر حدیث «پشت و خنجر» جانمی گیرد

خلیج دل، محل امن کشتی های اندوه است

و در آن یک دو لبخند شناور جان نمی گیرد

خطوط دفترم از گریه هایم آنقدر خیس است

که بین اشک ها یک قطره جوهر جانمی گیرد

حدیث هجرت من غصدایم پس که طولانی است

میان چار فصل گنگ دفتر جانمی گیرد

کتاب شعر قلبت آنقدر بیست هوس دارد

که در آن مصرعی از عشق و باور جانمی گیرد

و رد پای اشک بیت این غزل گوید

که باران حرف ها دارد و در هر جانمی گیرد

صدایم آن قدر بغض نهان دارد که حتی در

میان وسعت آغوش مادر جان نمی گیرد

چشمداشت



من باب معرفی:
تازه ترین کتاب مهرداد صدقی با عنوان «آب نبات هل دار» در معرض و منظر مطالعه علاقه مندان به آثار طنز قرار گرفت. پیش از اینها نیز کتاب «نقطه ته خط» را از این نویسنده جوان و توانمند در عرصه داستان نویسی طنز شاهد بودیم.



صدقی در این کتاب (آب نبات هل دار) سال‌های دوران دفاع مقدس تا بازگشت آزادگان به کشور را از نگاه یک کودک بجنوردی روایت می‌کند. قصه از این قرار است که یکی از اعضای خانواده این کودک به جبهه می‌رود و اسیر می‌شود. کودک که تا به حال، درگیر بازی‌ها و شیطنت‌های دوران کودکی بوده، با شرایط جدیدی در اطراف خود مواجه می‌شود و سعی می‌کند به احترام شخصیت و جایگاه برادرش، رفتار خود را تغییر داده تا به دیگران نشان دهد که دیگر بزرگ شده و می‌تواند روی او حساب کند؛ اما هر بار اتفاق‌هایی می‌افتد که نتیجه عکس می‌دهد...

این اثر مکتوب از انتشارات سوره مهر حوزه هنری بوده که در ۱۶۶ صفحه با شمارگان ۲۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۴۹۰۰ تومان، روانه بازار کتاب شده است. درباره وجه تسمیه نام کتاب نیز باید گفت که «آب نبات هل دار» سوغات شیرین شهر بجنورد در استان خراسان شمالی محسوب می‌شود - که زادگاه خود نویسنده است - کتاب «آب نبات هل دار» نیز طعم شیرین طنز دارد. می‌گویید نه؛ یک نمونه از آب نبات‌های هل دار این مجموعه را با هم مزه مزه می‌کنیم.

مدت‌ها از پایان جنگ می‌گذشت، اما هنوز از بازگشت محمد خبری نبود. تا ماه‌ها بعد از قبول قطع نامه هر چه انتظار کشیدیم که شاید خبری شود و داداش محمد برگردد خبری نشد. می‌گفتند عراق برای تبادل اسرا کارشکنی می‌کند. هر روز چشم به در بودیم که شاید کسی مثل مراد بیاید و با دادن خبری خوب غافلگیرمان کند. بالاخره این اتفاق افتاد. مراد در یکی از روزهای

بهار ۱۳۶۹ زنگ خانه‌مان را زد و با اعلام خبری، که البته هیچ ربطی به آمدن محمد نداشت، هم ما و هم خودش را غافلگیر کرد. مراد تعارف را کنار گذاشته بود و می‌خواست برای خواستگاری از ملیحه با مادرش به خانه ما بیاید.

مامان زود به ملیحه تلفن کرد تا از مشهد بیاید؛ اما ملیحه بهانه درس هایش را آورد و گفت تمایلی به ازدواج با مراد ندارد. مامان تأکید کرد حتی اگر جوابش منفی است، از روی ادب و احترام، تا بجنورد بیاید؛ چون بد است که خواستگار به خانه مان بیاید و او نباشد. برای همین ملیحه، به رغم مشخص بودن جوابش، به اجبار از مشهد راه افتاد.

وقتی ملیحه رسید قاطعانه گفت که در تصمیم خود مصمم است. ظاهر ا هم اتاقی‌اش، زهر، هم در گرفتن این تصمیم به او کمک کرده بود و طبق مشورت او و با شناختی که دُورادور از مراد پیدا کرده بود به ملیحه گفته بود او مراد اصلاً به درد هم نمی‌خورد.

من از بالای راه پله با نگاه دزدکی به کوچه داشتم کشیک می‌دادم ببینم خواستگار کی و چطوری می‌آید. مراد پیکان صفر کیلومتر سفید یخچالی‌اش را، که تازه خریده بود، رو به روی پنجره آشپزخانه‌مان پارک کرد. بعد از پیاده شدن، در حالی که در یک دست جعبه شیرینی و در دست دیگرش یک دسته گل رز گرفته بود، به زحمت در ماشین را برای مادرش هم باز کرد تا او هم پیاده شود. شاید می‌خواست نشان دهد چقدر برای زن‌ها و به خصوص مادرش احترام قائل است. از آنجا که مراد برای اولین بار ریش هایش را از ته زده بود دور و بر را نگاه کرد تا کسی او را نبیند. صورتش آن قدر سفید و براق شده بود که برق نور را منعکس می‌کرد. احتمالاً چند روزی، تازمانی که ریش هایش جوانه بزند، مرخصی گرفته بود. نگاهی به گل‌های رز انداخت و لبخندی زد. حتماً با خود فکر می‌کرد به خاطر پرسپولیسی بودن ملیحه با این گل‌ها کولاک می‌کند؛ اما خبر نداشت ملیحه از وقتی پزشکی قبول شده بود بسیاری از عادت‌هایش فرق کرده بود و نه تنها استقلالی شده بود و سر ته دیگ هم با من رقابت نمی‌کرد، بلکه دیگر حتی دست به جارو و مایع ظرف‌شویی هم نمی‌زد. هر دو جلوی در خود را مرتب کردند و با خواندن دعایی زیر لب در زدند. موقع دعا یک لحظه هر دو به آسمان نگاه کردند و من که نگران بودم مبدا کلام را دیده باشم زود سرم را انداختم پایین و به طرف اتاق دویدم.

وقتی مراد و مادرش به داخل اتاق پذیرایی راهنمایی شدند، من از سوراخ کلید توی اتاق پذیرایی را نگاه می‌کردم و منتظر بودم ببینم نتیجه چه می‌شود. هر چند پیشاپیش می‌دانستم نتیجه چه می‌شود، دوست داشتم ببینم نتیجه چطوری آن‌طوری می‌شود. نصف جلسه خواستگاری درباره احتمال آمدن محمد و خاطرات روزهای جنگ گذشت. مراد چنان از جبهه‌ها حرف می‌زد و خاطره تعریف می‌کرد که اگر کسی نمی‌دانست فکر می‌کرد لابد چقدر در جبهه بوده. درباره همه چیز صحبت شد به جز موضوع اصلی. همه با هم تعارف رد و بدل می‌کردند. عاقبت خود ملیحه، که از وقتی در دانشگاه کلاس زبان رفته بود زبانش شش متر شده بود، به صراحت اعلام کرد فعلاً قصد ازدواج ندارد و حالا حالا‌ها می‌خواهد درس بخواند. مراد، که قرمز شده بود و عرق از گونه‌های صاف و صوف شده‌اش به راحتی سرازیر می‌شد، نیم‌نگاهی به بی‌بی انداخت تا شاید او به خاطر آن سفر زیارتی مفتی مشهد میانجی‌گری کند؛ اما بی‌بی که انگار سال‌ها بود شیرینی و میوه نخورده بود، سخت مشغول پذیرایی از خودش بود. مراد ملتسمانه گفت حاضر است تا قیام قیامت هم صبر کند، اما ملیحه به زبان بی‌زبانی و یک خرده هم پرزبانی به او فهماند که حتی اگر تا آن موقع هم صبر کند نتیجه نمی‌گیرد.



استغفار آقایی

که در کار فکاهی مطرح می‌شود، برای ایجاد خنده است و غرض از آن، اصلاح و تغییر رفتار و اندیشه مردم نیست.

فکاهی در فضایی خلق می‌شود که همه چیز عادی، مطلوب، منطقی و منظم به نظر می‌رسد و تنها یک جابه جایی یا به هم ریختگی در نظم ظاهری امور، وضعیتی خنده‌دار ایجاد می‌کند.

مقایسه میان وضعیت خنده دار (که حاصل به هم خوردن نظم عادی امور است) و وضعیت طبیعی، بر اساس اندیشه ای اصلاح گر نیست.

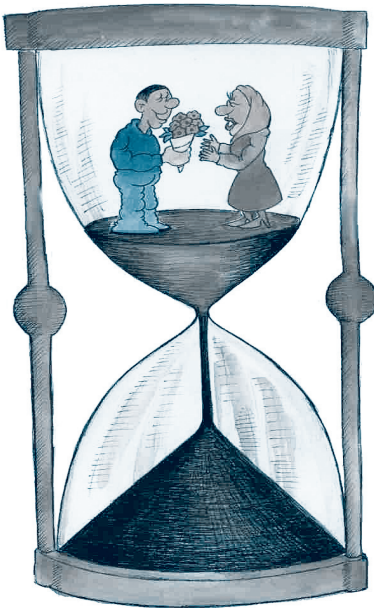
نویسنده و خواننده فکاهی، هر دو، بیرون از صحنه ای هستند که در آن وضعیت خنده دار و نابسامان ایجاد شده، و همین احساس مصونیت از آن وضعیت غیر عادی و قرار گرفتن در موضع برتری است که برای آنها خوشایند است.

در فکاهی، عبور از خط قرمزها (ورود به حریم‌های ممنوع) خیلی محدود است؛ مثلاً حریم‌های مربوط به



هانیل بنی‌زاد

♦ متولد ۱۳۵۱ — بابل
♦ فارغ التحصیل علوم سیاسی از دانشگاه امام صادق (ع)
♦ کاریکاتورست روزنامه کیهان
♦ سردبیر هفته نامه طنز «کشیده»
♦ دارای ۶ جلد کتاب حاوی آثار این هنرمند



مادر مراد چادرش را سرش کرد تا بپوشد. باز هم زیر لب چیزی داشت زمزمه می‌کرد؛ اما مطمئن بودم کلماتش این دفعه دیگر دعا نیست. شاید داشت ملیحه را نفرین می‌کرد که تا قیام قیامت درس هایش طول بکشد و مثل عمه بتول تا مدت‌ها بترشد.

بنا به سفارش قبلی مامان، از اتاق بیرون رفتم تا کفش‌های مهمان‌ها را جفت کنم. رویم نمی‌شد در چشم مراد نگاه کنم. خواستم با نگاه از او عذر خواهی کنم؛ اما او هم رویش نشد به من نگاه کند. این بزرگ‌ترین شکست زندگی مراد بود. با آن سن و سال قیافه‌اش شبیه بچه‌ای شده بود که انگار می‌خواهد بزند زیر گریه. با ناراحتی در ماشینش را باز کرد و نشست. آن قدر در فکر فرو رفته بود که حتی یادش رفت مادرش را سوار کند و وقتی تا سر کوچه رفت فهمید مادرش را جا گذاشته است. شاید از همان لحظه تصمیم گرفته بود دور هر زنی را خط بکشد و مادرش اولین زن بود! وقتی مراد دنده عقب برگشت تا مادرش را سوار کند، قبل از اینکه گاز بدهد و برود، نیم‌نگاهی به من انداخت که یعنی من که حالا وضع خوب شده و ماشین مدل بالا دارم؛ پس چرا جواب منفی؟!

نمی‌دانستم چه واکنشی نشان دهم. برای اینکه قدری از ناراحتی‌اش کم کنم و نشان دهم که در خانواده‌ما، بر خلاف ملیحه، همه او را دوست داریم برایش با دست و لب‌هایم علامت فرستادن بوس را در آوردم. آن قدر گوشش ریخت که تیک آف کرد و رفت.

برای او در امر ازدواج آرزوی موفقیت کردم و برای خودم هم آرزو کردم که برای ازدواج به سرنوشت او دچار نشوم.

یک هفته بعد، باز هم مراد، که تازه ریش هایش درآمده بود، ماشینش را جلوی پنجره آشپزخانه ما پارک کرد. در قیافه‌اش اعتماد به نفس وافر و کاذبی موج می‌زد. نامه‌ای هم در دستش گرفته بود. تا مرادید پاکت را داد و رفت. روی پاکت نوشته شده بود «به اتفاق خانواده». کارت را به مامان نشان دادم. با خوشحالی گفت: «مبارک باشه» بی‌بی هم، که جریان را شنید، گفت: «مبارکش باشه. پسر خوبیه». آقا جان هم گفت: «مبارکش باشه». اما ملیحه، همین که کارت عروسی را دید، خشکش زد و به نقطه نامعلومی خیره شد.

عروس هم اتاقی‌اش، زهر، بود!



از قلم‌های هشتی

سیاه و سفید
نبینیم!

رضا قیام

اگر سیاه و سفید دیدن خوب بود که نسل هر چه تلویزیون سیاه و سفید، از بیخ بر نمی‌افتاد. آدم معتدل، آن است که همه رنگ‌ها را ببیند. لازمه این نوع نگاه هم بی‌رنگ بودن عینکی است که بر روی چشم است. سوای رنگ خدا، در روی زمین، بهترین رنگ‌هایی رنگی است. همه اختلاف‌ها از رنگ‌پذیری آدم‌زادی شروع شد. تا حدی که جناب مولانا معتقد است:

«چون که بسی رنگی اسیر رنگ شد

موسی‌ی با موسی‌ی در جنگ شد»

هر که تا گردن خودش را در رنگ کرد

گر که رایانه است، در جهنگ کرد!

فلذاست که به ضرر قاطع (و بلکه شدیدتر) عرض کردیم که بی‌رنگی، نیکوترین و قشنگ‌ترین رنگ هاست. جناب حافظ هم، یک قرن بعد، و هم‌دردش مولانا را تنها نگذاشته و مواضع خویش را با مواضع وی هماهنگ کرده و خودش را غلام کسی دانسته که از جمع رنگ‌های دنیوی که بوی تعلق دهد، آزاد باشد. و جالب این که رنگ چرخ روزگار را هم نبود و تیره دانسته است.

«غلام هست آنم که زیر چرخ بکود

زهر چه رنگ تعلق پذیرد، آزاد است»

اگر که رنگ تعلق گرفت هم بالکل

شبیبه وصله ناجور و چیز مازاد است!

خب، حالا که دل‌ها آمده و بلوتوث ذهن‌ها روشن؛ سری می‌زنیم به مراسم افطاری جامعه اسلامی مهندسین، ببینیم آقای عسکراولادی (دبیر کل سابق حزب مؤتلفه) در راستای رنگ کردن چی گفتند. ایشان گفتند که نباید جریان‌های سیاسی را سیاه و سفید ببینیم و الآن آقای روحانی در حال مطالعه است تا در چنیش کابینه‌اش، هم از اصول‌گرایان استفاده کند، هم از اصلاح‌طلبان. این نکته جالب را نیز خیلی شفاف گفتند که من ضمن تبریک به آقای روحانی، به ایشان تأکید کردم که شمارائی من نبود؛ اما حالا که انتخاب شدید، می‌گویم خیر! الموجدین هستید. (کل عریض به نقل از جراید است، کسی به لگ ما نماند!)

بسته پیشنهادی: از آنجا که بنده نیز از نگاه سیاه و سفید خوشم نمی‌آید؛ به خصوص که اگر مارگزیده باشم که حتی از ریسمان سیاه و سفید هم می‌ترسم؛ ل‌ه‌ذا در راستای آنچه عرض شد، نکاتی رهنمودگونه نیز اضافه می‌شود. باشد که در بی رنگ کردن فضای سیاسی کشور کمک کند:

۱- عینک شفاف: همگان، علی‌الخصوص رجال سیاسی مملکت، عادت کنیم که عینک بی‌رنگی به چشم بزنیم. اگر حتی یک لکه کوچک هم روی شیشه‌اش باشد، همه را که دار می‌بینیم. دم مولانا گرم که چه خوب فحوی کلام گه‌بار ما را به نظم درآورده و فرموده: «پیش چشمش داشتی شیشه ی کُود؟ زین سبب عالم کبودت می‌نمود» (که معلوم می‌شود خیلی پیشتر از اینها عینک وجود داشته، حالا یا با دسته یا بی دسته!)

۲- جمع آوری تی‌وی: اگر چه الآن عموم ملت و مسئولان، تلویزیون رنگی دارند - وای بسا هم سه‌بعدی! - اما هنوز نیز ممکن است کسانی باشند که تلویزیون سیاه و سفید داشته باشند و همه چیز را یا سیاه ببینند، یا سفید. فلذا اگر داریم می‌رویم دیش‌ساله‌شان را جمع کنیم، همان سر سیم متصل به دیش را که بکشیم، خود تلویزیون از پنجره منزل تشریف می‌آورد بالا. البته با اجازه صاحبخانه. در عوض می‌توانیم یک تلویزیون رنگی به وی هدیه دهیم. همه‌اش یک چیزی را جمع نکنیم، یکبار هم یک چیزی اضافه بکنیم!

۳- عدم هل دادن: تمامی جریان‌ها یا سرمداران جناح‌های موجود، اشکالی ندارد که به رئیس‌جمهور منتخب - حتی اگر به ایشان رأی نداده باشند - به ایشان پیشنهادهایی بدهند، اما مواظب باشند یک وقت ایشان را هل ندهند. ما امید به تدبیر ایشان داریم و می‌دانیم که سیاه و سفید ندیدن اشخاص و مجموعه‌های سیاسی را در سر دارند. غیر این باشند، یک نفر هم از فلان گوشه در می‌آید می‌گوید به نظر من، مثلاً وزیر ارشاد دولت بعدی بشود آقای فلان الدوله که علی‌الظاهر شخصیت‌فرازنگی جامعی دارد. پیشنهاد می‌کنیم روی در محل استقرار آقای روحانی بنویسند: لطفاً فشار ندهید!

۴- در مقام کاش: کاشکی نصف این انتظارات فرارنگی و دعوت به سیاه و سفید ندیدن، در دولت‌های قبل هم اتفاق می‌افتاد که الان همه‌اش را از آقای روحانی نخواهیم. انکار که فقط ایشان نباید سیاه و سفید ببینند، نه مثلاً جریان مؤتلفه و جریان آبادگران و جریان جامعه مهندسین و جریان اصلاحات و جریان مردمسالاری و جریان کیهانی و جریان کهکشانی و.... کلی جریان دیگر که خودش کلی جریانات دارد!



